

دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

محمد رضا دهشیری^۱

مهدی طاهری^۲

بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی به ویژه در حوزه آموزش عالی در جهت بسط تفاهم و درک مشترک و تصویر سازی مثبت از کشور را می‌توان دیپلماسی آموزشی نامید که خود یکی از ارکان دیپلماسی فرهنگی قلمداد می‌گردد. امروزه بسیاری از کشورها با استفاده از کانال ارتباطی دانشگاهی در صدد افزایش قدرت نرم خود برآمده‌اند. مبادلات آموزشی و ایجاد شعب دانشگاهی در نقاط مختلف جهان به ویژه در کشورهایی که زمینه‌های فرهنگی مشترک وجود دارد این امکان را به کشورها می‌دهد تا از طریق تعامل با نخبگان و تحصیلکردگان میزان تاثیرگذاری خود را گسترش دهند. قشر دانشگاهی به عنوان مهم‌ترین قشر موثر در ساخت آینده یک کشور، تاثیر به‌سزایی در تفاهم و همسویی فرهنگی میان ملت‌ها خواهد گذاشت.

در همین راستا یکی از مناطق مهمی که زمینه‌های هویت فرهنگی مشترک فراوانی با جمهوری اسلامی ایران دارد، منطقه آسیای مرکزی است. این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های آکادمیک خود در منطقه آسیای مرکزی بهره برداری نماید؟ نظر نویسندگان آن است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، زبان فارسی، پیشینه مشترک تمدنی و توان آموزش عالی کشور به ویژه در عرصه تبادلات دانشگاهی نسبت به برسازای تصویری مثبت از خود اقدام کند و دیپلماسی آموزشی خود را در منطقه آسیای مرکزی ارتقا دهد.

واژه‌گان کلیدی: دیپلماسی آموزشی، آموزش عالی، آسیای مرکزی، اشتراکات فرهنگی، سازه انگاری و قدرت نرم.

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران .

Email:mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،

Email:mtaheri1982@gmail.com

تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۵ و تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۲

مقدمه

عامل فرهنگ در میان عناصر سیاست خارجی کشورها که شامل مولفه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود، پایدارترین و اثرگذارترین عنصر است که به تحقق سایر اهداف کمک شایانی می‌نماید. در این چارچوب نیز بعد مهمی از سیاست خارجی کشور را دیپلماسی فرهنگی تشکیل می‌دهد. دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد که به طور مستقیم با مردمان سرزمین‌های خارجی چه مردم عادی و رهبران، رابطه پایدار معنوی برقرار کرده و از آن در جهت اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بهره برداری کرد. این دیپلماسی به ویژه میان ملت‌هایی که دارای فرهنگ و تمدن مشترک هستند، کاربردی‌تر است؛ در این میان آسیای مرکزی به دلیل حضور در ژئوکالچر^۱ و حوزه تمدنی ایران، دارای اهمیت زیادی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

منطقه آسیای مرکزی نه تنها به دلیل میراث فرهنگی مشترک، بلکه به دلیل پیوندهای امنیتی همواره از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران برخوردار بوده و در میان انواع دیپلماسی که در منطقه به کار برده می‌شود، دیپلماسی فرهنگی جایگاه بالایی داشته است.

از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، هویت مشترک ایرانی-اسلامی، توجیه تاریخی برقراری روابط نزدیک فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی است. ایران معتقد است که فرهنگ مشترک به توسعه روابط دوستانه با این کشورها کمک نموده، باعث ایجاد درک و فهم متقابل و همکاری‌های مشترک منطقه‌ای خواهد شد. گسترده بودن مرزهای فرهنگی از مرزهای سیاسی این امکان را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد تا از این ظرفیت‌ها در جهت افزایش قدرت نرم خود با بهره‌گیری از ابزارهای علمی و آموزشی استفاده نماید. با این وجود باید گفت که به‌رغم وجود پیوندهای مشترک و عمیقی که بین ایرانیان و مردم این منطقه و نیز با وجود امضای توافقنامه‌های متعدد فرهنگی میان طرفین، سطح تعامل فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی مستلزم توجه بیشتری می‌باشد. عدم توجه فرهنگی موجب خواهد شد که ایران فرصت‌های طلایی را در منطقه از دست بدهد و از میزان موفقیت ایران با حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی کاسته شود (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). این امر در حالی است که

^۱. Geo-Culture

منطقه آسیای مرکزی و منطقه قفقاز، بخشی از حوزه آسیای غربی در سند چشم انداز ۱۴۰۴ است و بر همین اساس، نیازمند توجه جدی‌تر و بیشتر می‌باشد.

بر همین اساس توجه به ظرفیت دانشگاه‌ها و ظرفیت‌های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی امری بسیار مهم در جهت افزایش قدرت نرم کشورها است. این همان موضوعی است که از آن به عنوان دیپلماسی آموزشی یاد می‌کنند. می‌توان گفت برای کشورهایی همچون ایران که ظرفیت قابل توجهی در بخش دانشگاهی و علمی دارند این مسئله حائز اهمیت بوده و لزوم توجه جدی به آن وجود دارد.

نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های آکادمیک خود در منطقه آسیای مرکزی بهره‌برداری نماید؟ نظر نویسندگان آن است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، زبان فارسی، پیشینه مشترک تمدنی و توان آموزش عالی کشور به ویژه در عرصه تبادلات دانشگاهی نسبت به برسازای تصویری مثبت از خود اقدام کند و دیپلماسی آموزشی خود را در منطقه آسیای مرکزی ارتقا دهد.

مبتنی بر این رویکرد، مفروضه اصلی این است که توسعه روابط در سطوح منطقه‌ای از جمله منطقه آسیای مرکزی به شدت وابسته به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی و در دهه‌های اخیر وابسته به تبادلات دانشی، علمی و آموزشی و دانشگاهی است. به ویژه آموزش عالی که نقش واسطه‌مند پر قدرتی در تسهیل روابط انسانی و روابط نهادی و تعاملات خردمندانه ایفا می‌کند. بر این اساس دانشگاه و نظام آموزش عالی و نیز روابط آموزشی - فرهنگی به مثابه یک ظرفیت تعادل بخش تعارضات سیاسی و شتاب‌دهنده همکاری‌های سیاسی تلقی شده و قدرت نرم را افزایش می‌دهد.

این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بر پایه توصیفی - تحلیلی تدوین گردیده است.

چارچوب نظری

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از طرفی باعث تضعیف رویکرد واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل و از جانب دیگر موجب اقبال مجدد

نظریه‌های فرهنگی و سازه‌انگاره گردید. در رویکرد سازه‌انگاری^۱ تلاش می‌گردد تا عناصر فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می‌کند، مورد بررسی قرار گیرند (عبداله خانی، ۱۳۹۰: ۵۶). با نگاهی به دیدگاه‌های سازه‌انگاران می‌توان گفت که نظریه سازه‌انگاری از قابلیت بیشتری در مقایسه با نظریه‌های رایج برای تبیین دیپلماسی فرهنگی و آموزشی برخوردار است. براساس این رویکرد، رفتار سیاست خارجی کشورها ناشی از تصورات بین‌الذهانی میان ملت‌ها است که بر مبنای ارزشی مادی و معنوی شکل گرفته و این مبانی در قالب رفتارهای ملی تبلور یافته و در نهایت منافع ملی را رقم می‌زند. بنابراین منافع ملی، یک برساخته اجتماعی است که در آن مبانی فرهنگی و ارزشی جایگاه مهمی دارد. نگاه سازه‌گرایی از این جهت مهم است که نگاه تحولی به سیاست خارجی کشورها را مطرح کرده و برای فرهنگ جایگاه مهمی در روابط بین‌الملل قائل است. به طور کلی رهیافت‌های پسااثبات‌گر^۲ همچون نظریه پست مدرنیسم^۳ و سازه‌انگاری^۴ که بیشتر راهی میانه بین اثبات‌گرایی^۵ و پسااثبات‌گرایی^۶ است - (دانش‌نیا، ۱۳۹۴: ۸۲) به نقش فرهنگ به عنوان یک متغیر مستقل در تبیین و توضیح تحولات بین‌المللی ارتقا بخشیدند.

گزاره نخست، هستی‌شناسانه سازه‌انگاری این است که ساختارهای هنجاری و فکری نیز به میزان ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ زیرا نظام‌های بامعنا هستند که تعریف می‌کنند، کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. گزاره دوم، هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. فهم این که منافع چگونه شکل می‌گیرند، کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده‌های بین‌المللی تلقی می‌گردد که درست درک نشده‌اند یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند. بر اساس گزاره سوم، ساختارها و کارگزاران به یکدیگر متقابلاً شکل می‌دهند. به نظر سازه‌انگاران، ساختارها در اصل مادی نیستند، بلکه بر اساس تصور و خیال‌اندیشی بنا شده‌اند، این‌ها شامل هنجارها، باورها، رویه‌ها و عادات مشترک هستند و با این وجود از یک پیامد مادی برخوردارند. بنابراین سازه‌انگاری بیشتر یک مقوله ادراکی و اجتماعی است تا یک موضوع اساساً مادی‌گرایانه و فردگرایانه. بدین ترتیب، سیاست هویت در داخل برای هویت و منافع و رفتارهای دولت در

^۱. Constructivism

^۲. Post-Positivist

^۳. Postmodernism

^۴. Positivism

^۵. Post-Positivism

خارج، امکانات و نیز محدودیت‌هایی را فراهم می‌آورد. از این رو، دولت نیازمند است تا از طریق یک نوع هویت ملی در داخل برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار استخراجی که روی هویت آن در خارج، تأثیر می‌گذارد عمل کند (ونت، ۱۳۸۵: ۲۴۸-۲۵۸).

به عقیده سازه‌انگاران، کنش‌ها و رفتارهای سیاسی فرد و جامعه بر اساس هویت و فرهنگ آن جامعه، شکل می‌گیرد. ساخت هویت در هر کشوری به گونه‌ای مختلف است. این مهم موجب شد، رابطه میان فرهنگ و حوزه‌های مختلف از جمله قدرت و سیاست در سطح بین‌المللی هویدا شده و در کانون توجه محققان روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل قرار گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۶۳). بنابراین کشورها به دنبال آن هستند که با گسترش و ترویج فرهنگ خود به مثابه یک قدرت نرم به سه هدف؛ ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در دیدگاه افکار عمومی بین‌الملل، کسب پرستیژ بین‌المللی و در نهایت مدیریت افکار عمومی نایل آیند. به طور کلی، یکی از مختصات عمده نظریه سازه‌انگاری، توجه به ساختارهای فرهنگی و هنجاری در کنار عنصر مادی است به گونه‌ای که حتی در این شرایط، انگاره‌ها هستند که به عناصر مادی قدرت، مانند تسلیحات، سرزمین و جمعیت، معنا بخشیده و هنجارها در تشکل منافع، دارای نقش عمده‌ای هستند (آدمی، ۱۳۹۲: ۴).

نظریه سازه‌انگاری، چارچوبی برای فهم و درک این تناقضات هنجاری بین‌ارزش‌ها و هنجارهای داخلی و خارجی است که دستگاه سیاست خارجی را موظف به نزدیک کردن این هنجارها و تبدیل آنها به فرهنگی مشترک، جهت ایجاد تعاملات و مناسبات دوستانه در عرصه جهانی می‌کند (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۵۳). برای سازه‌انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و غیره همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها و الگوهای برایندها شکل می‌دهند، مهم است. اینها نوعی جهان بینی ایجاد می‌کنند و برالگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. نهادهای بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی همچون رژیم‌های تسلیحاتی و حقوق بشر، هنجارهای بین‌المللی و کنشگران را به سمت باز تعریف منافع و حتی هویت‌هایشان سوق می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۴).

ابزارهایی که فرهنگ برای فراگیری مهیا می‌نماید، شامل "تاریخ فرهنگی"، "زمینه اجتماعی" و "زبان" است (همتی: ۱۳۹۵/۵/۲۶). از این رو از طریق ابزارهای آموزشی و تاکید بر تعلقات مشترک به زبان فارسی و تاریخ فرهنگی مشترک میان ایران و کشورهای

آسیای مرکزی امکان بر ساخت منافع مشترک و احساس نزدیکی طرفین با تصویرسازی مثبت در اذهان دو ملت را می‌توان فراهم ساخت.

جایگاه دیپلماسی آموزشی در دیپلماسی عمومی و فرهنگی به مثابه قدرت نرم

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک رسم و یک روش صدها سال سابقه دارد. همه سیاحان، مسافران، معلمان و هنرمندان را می‌توان نمونه‌هایی از سفیران غیررسمی یا دیپلمات‌های فرهنگی اولیه به حساب آورد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۸). در این بین، ارتباط بین دیپلماسی فرهنگی و آموزش بین‌المللی نیز قدمتی طولانی دارد. دانشجویان از همان ابتدای آغاز به کار دانشگاه‌های مدرن در قرون وسطی در خارج کشور تحصیل کرده و تحت تأثیر آنچه آموخته و تجربه کرده بودند، قرار گرفته‌اند. استادان و محققان نیز برای بیش از هزار سال از مرزهای میان کشورها عبور کرده و دانش همواره حیطة بین‌المللی داشته است. در واقع، دانشگاه‌های قرون وسطایی، نهادهای بین‌المللی بودند که دانشجویان و استادان را از چندین کشور اروپایی دور هم می‌آوردند و به یک زبان واحد (لاتین) فعالیت می‌کردند. دانشگاه‌های قرون وسطایی به‌واسطه تأکید زیاد بر الهیات و قانون کلیسا، به‌عنوان سنگری محکم در خدمت مذهب کاتولیک بودند. گسترش ایمان مسیحی از طریق آموزش، جنبه مهم قدرت نرم کلیسا بود. از لحاظ تاریخی، جامعه مسیحیان، آموزش را به‌عنوان نیرویی قدرتمند تشخیص دادند و برای توسعه دانش و مذهب کاتولیک اقدام به تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر جهان کردند. گروه‌های دینی از دیگر مذاهب مختلف مسیحی نیز به‌طور فعالانه‌ای درگیر آموزش عالی در خارج از کشور بودند (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۶).

در دیپلماسی عمومی و فرهنگی، مخاطبان فرهیخته بیشتر با برنامه‌های مبادله‌های علمی - دانشگاهی و فرهنگی - هنری هدف قرار می‌گیرند. مبادله‌های آموزشی، پذیرش و پذیرایی از نخبگان کشورهای دیگر از دیرباز در شمار سرمایه‌گذاری‌های پر سود سیاست خارجی قرار داشته است. راهبرد آموزشی که گاه «دیپلماسی فرهنگی» نیز خوانده می‌شود به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش مرتبط است؛ فرآیندی مؤثر که در آن فرهنگ یک ملت - از طریق تبادل دانش، ایده، اطلاعات، هنر به منظور تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون عرضه می‌شود (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴).

دولت‌های استعماری اغلب آموزش عالی را به‌عنوان یک همراه مفید برای اقدامات خود می‌دیدند. بریتانیایی‌ها در توسعه این قبیل نهادها و در فرستادن دانشجویان از مناطق تحت استعمار به انگلستان برای تحصیل در دانشگاه‌های انگلیسی مهارت خاصی داشتند. از اوایل سال ۱۸۳۵، دانشگاه‌های انگلیسی و دانشگاه‌های الگوی - انگلیسی در هندوستان بنا شدند و دانشجویان تحصیل کرده در این نهادها، ستون فقرات دولت استعماری را برای یک قرن یا بیشتر فراهم آوردند؛ البته تحصیلات استعماری، منجر به افزایش جنبش‌های ملی‌گرایانه نیز گردید؛ به‌عنوان مثال «مهاتما گاندی»^۱ و «جواهر نهرو»^۲ در مدارس استعماری در هند و سپس در انگلیس تحصیل کرده بودند؛ ایالات‌متحده آمریکا نیز طی دوران کوتاه قدرت استعماری خود از آموزش عالی به‌عنوان بخشی از سیاست استعماری خود استفاده کرد. این کشور نهادهای آموزش عالی را در فیلیپین به‌عنوان بخشی از حضور خود در این کشور بنا کرد. با این همه در جریان جنگ سرد ایالات‌متحده نقش بسیار فعال‌تری را در گسترش ایده‌های فرهنگی و سیاسی خود ایفا کرد. همچنین آموزش عالی آمریکا نقش مهمی را در کشمکش ایدئولوژیک با اتحاد جماهیر شوروی داشته است. ایالات‌متحده، بنیادهای خصوصی و دیگر آژانس‌ها از «مبادلات دانشگاهی»، «برنامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی» حمایت مالی می‌کردند؛ هدف از این حمایت‌ها سهیم شدن در ارائه تصویری مثبت از آمریکا در سراسر جهان و همچنین ایجاد ارتباط با دانشگاه‌ها و دیگر بخش‌های بین‌المللی بود. برخی تحلیلگران از ارتباطات حکومتی با دانشگاه‌ها انتقاد می‌کردند درحالی‌که برخی دیگر این تلاش‌ها را برای سیاست خارجی آمریکا حیاتی می‌دیدند (یاسوشی و مک کانل، ۷۶-۷۷).

بر همین اساس جوزف نای^۳ معتقد است، توسعه روابط پایدار با افراد مهم سومین بعد دیپلماسی عمومی است که طی چندین سال با شیوه تبادلات آموزشی و اعطای بورس‌های تحصیلی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و آموزشی محقق خواهد شد. این بعد از دیپلماسی شامل برنامه مبادله شهروندان جهت دوره‌های آموزشی، مطالعاتی، فرهنگی، علمی، هنری، ورزشی و آموزش زبان، برگزاری نمایشگاه، جشنواره‌های موسیقی، فیلم و غیره می‌شود و کشورهای مختلف روی آن سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌اند. پنج کشور آمریکا، فرانسه، انگلیس،

^۱. Mahatma Gandhi

^۲. Jawaharlal Nehru

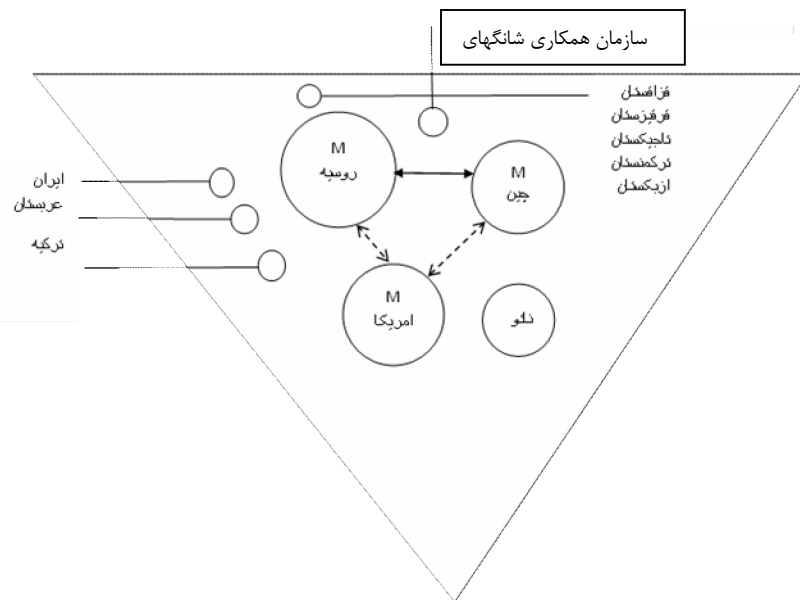
^۳. Joseph Nye

آلمان و ژاپن در این زمینه پیشگام هستند (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۸۴). به باور نای، جهت استفاده از قدرت نرم، ارتباطات روزانه و راهبردی و همکاری با رهبران فکری بسیار حایز اهمیت است. لذا با گسترش مبادلات و تعاملات آموزشی و علمی، زمینه‌های پیشبرد دیپلماسی عمومی و فرهنگی در راستای فهم مشترک و برسازای تصویر مثبت از کشور در میان قشر نخبه و تحصیل کرده ایجاد می‌شود و این امر در بلندمدت باعث افزایش قدرت نرم یک کشور خواهد شد.

وضعیت همکاری‌های آموزشی عالی در کشورهای آسیای مرکزی

توجه به تجارب جهانی در استفاده از ظرفیت آموزش عالی در راستای دیپلماسی فرهنگی و سیاستگذاری در این خصوص می‌تواند به سریع‌تر پیمودن مسیر کمک نماید. امروزه با بین‌المللی‌شدن آموزش عالی و نیز تسهیل ارتباطات جهانی ناشی از فرایند جهانی‌شدن، استفاده از ظرفیت‌های نظام آموزش عالی به‌مثابه ابزار تأثیرگذار در جهت کسب منافع ملی و افزایش قدرت نرم توسط کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، روزبه‌روز بیشتر شده است. کشورهای مختلف جهان به فراخور قدرت اقتصادی و فرهنگی خود، بر روی برنامه‌های مبادلات فرهنگی و آموزشی سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌اند. این کشورها با کوشش برای کسب توانمندی‌های علمی و آکادمیک خود در حوزه‌های سخت‌افزاری در دو بعد ملی و فراملی و با افزودن قدرت نرم خود و تلاش برای جذب تعداد بیشتری از مخاطبان آموزش عالی، سعی در جذب حوزه‌های هویتی مشترک با خود داشته تا در فرایند بلندمدت و در قلمرو سازی گفتمانی وسیع‌تری به اهداف خود دست یابند.

در منطقه آسیای مرکزی، قدرت‌های بزرگی همچون ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین و قدرت‌های منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان سعودی تلاش نموده‌اند با استفاده از دیپلماسی آکادمیک قدرت نرم خود را در این منطقه افزایش دهند.



نمودار شماره ۱: مثلث راهبردی؛ آسیای مرکزی معاصر با اندکی تغییر به نقل از هال (۱۳۹۴)

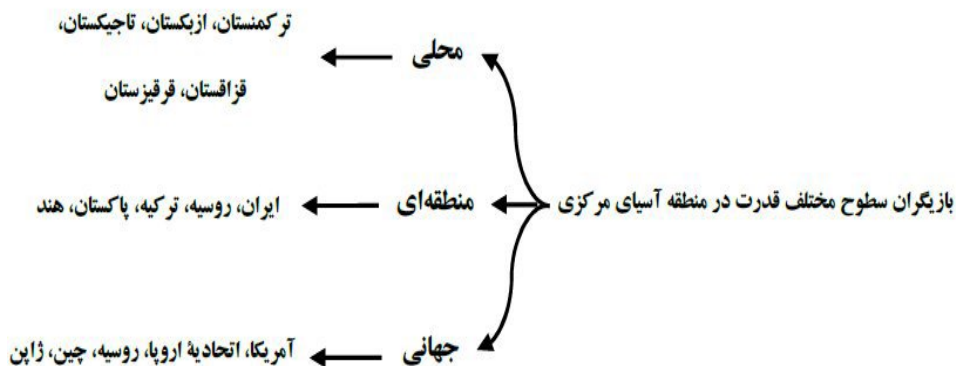
حضور این قدرت‌ها به مثابه عرصه بازی بزرگ شطرنج (Brzezinski, 1997:30-50) است که موفقیت هر یک بسته به نقاط درونی (قوت و ضعف) و بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) بازیگران در میزان برسازی هویتی مشترک دارد. در مورد سه بازیگر اصلی (روسیه، چین و امریکا)، سه مفهوم بنیادین "استیلا، اقتدار و ارتقاء" نیز در یک نظم سه ضلعی وجود دارد. این نظم سه ضلعی، کارکردهای وسیع سه گانه‌ای است که هر بازیگر می‌تواند ایفا کند. وظیفه هر کارکرد، کسب و حفظ قدرت، احترام و نفوذ در برابر سایر بازیگران واقع در مثلث است. وقتی در یک موقعیت، یک بازیگر ملی به عنوان قدرت قاهره و مسلط^۱ عمل می‌کند و شناخته می‌شود، بازیگری مسلط و حتی هژمونیک بوده و قادر به اعمال نفوذ و نیروی قاهر و قاطع است. مورد بعدی بازیگری است که در یک موقعیت فرضی به عنوان یک قدرت عمل می‌کند و شناخته می‌شود. این کشور مقتدر^۲ "حوزه قدرت" خود را در منطقه یا مسئله مورد بحث اعمال می‌کند و خواهان آن است که توسط دیگر بازیگران مورد مشورت قرار گیرد و

^۱. Supreme Power

^۲. Authority Power

احساس می‌کند که در زمان اقدام، "رای" سرنوشت سازی دارد. سرانجام، قدرت در حال ارتقاء و صعود^۱ وجود دارد؛ این کشور بازیگری است که وضع موجود را به چالش کشیده و تلاش دارد در منطقه یا مسئله مورد بحث به وضعیت "اقتدار" برسد. قدرت‌های رو به صعود انتظار دارند به واسطه توانایی‌ها و نفوذ روزافزونشان جدی گرفته شوند. مطابق موقعیت و سایر بازیگران در گیر در صحنه خاورمیانه، چین ممکن است قدرت رو به صعود، روسیه کشور مقتدر و آمریکا قدرت مسلط در نظر گرفته شود. یا در منطقه آسیا-اقیانوسیه، چین و آمریکا در تلاش برای تسلط بر منطقه در هم آمیخته‌اند در حالی که روسیه در حال حاضر بازیگر مقتدر محسوب می‌شود. در مورد آسیای مرکزی، روسیه موقعیت مسلط دارد در حالی که چین از موقعیت کشور مقتدر برخوردار است و آمریکا قدرت در حال صعود است (هال، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۹).

به اعتقاد الکساندر کولی^۲ مثلث چین-روسیه-آمریکا در حال شکل‌گیری در آسیای مرکزی است چرا که کشورهای منطقه مجدانه در تلاش هستند همکاری با سه کشور بزرگ و سایر قدرت‌های مهم را توسعه دهند (Cooley, 2009: 108).



نمودار شماره ۲: بازیگران سطوح مختلف قدرت در آسیای مرکزی؛ (حافظ نیا، ۹۴)

آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان می‌باشد که در منطقه پهناور موسوم به اوراسیا واقع در شرق دریای خزر، غرب

1. Ascendant Power
2. Alexander Cooley

چین، جنوب روسیه و شمال ایران و افغانستان قرار گرفته که جمعیتی بالغ بر شصت وهشت میلیون نفر را در خود جای داده است. در گذشته‌های دور این منطقه به ماوراءالنهر و ترکستان شهره بود (Worldmeters: 2016) با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تبدیل این منطقه به پنج کشور مستقل، موقعیتی را فراهم آورد تا کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای که قرابت‌های فرهنگی و زبانی با مردمان این سرزمین دارند درصدد برقراری ارتباط موثر دوسویه و گسترش روابط حسنه با کشورهای تازه استقلال یافته برآیند. یکی از ابزارهای این همکاری، استفاده از ظرفیت‌ها و تبادلات علمی و آموزشی بوده است. در ادامه به برخی از اقدامات آموزشی کشورهای ذی‌نفع در آسیای مرکزی اشاره خواهیم کرد.

روسیه^۱: راهبرد استیلا محور تهاجمی

با توجه به اینکه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه به عنوان وارث و جانشین این کشور، تلاش نموده است تا روند هژمونیک حضور و نفوذ خود را در کشورهای جدا شده از شوروی را تداوم بخشد، راهبرد این بازیگر در آسیای مرکزی بر استیلامحوری استوار است. این تفکر برگرفته از گرایش اوراسیایی‌گرایی حاکم بر سیاست خارجی کنونی روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین است. اوراسیایی‌ها^۲ به طور کلی معتقد هستند که روسیه در روابط خارجی خود باید بر جمهوری‌های استقلال یافته و ایجاد رابطه با بازیگران دیگری مانند چین و نه دنیای غرب متمرکز باشد (هال، ۱۳۹۴: ۱۲۵). رویکرد مزبور با توجه به اهتمام فدراسیون روسیه به کاربست قدرت هوشمند در آسیای مرکزی به عنوان حیاط خلوت و منطقه خارج نزدیک^۳ خود به عنوان رویکردی تهاجمی ارزیابی می‌شود.

در این میان، فرهنگ به عنوان ابزار مهم قدرت نرم، ارتباط تنگاتنگی با زبان دارد. هم اکنون روسیه از رهگذر ترویج زبان روسی در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای آسیای مرکزی به عنوان زبان علمی رویکرد تهاجمی نرم را اتخاذ کرده و دوره‌های بلندمدت آموزش عالی این کشورها بر مبنای آن ترسیم و تدوین شده است. این مطلب شاید در کشورهای بالتیک و قفقاز امر عجیبی نباشد، اما در حوزه آسیای مرکزی و با وجود قومیت، نژاد و

^۱. Russia

^۲. Eurasianists

^۳. Near Abroad

فرهنگ‌های متنوع و متفاوت به یک امر متناقض معنایی و زبانی تبدیل شده که در رقابت جدی با نهادهای غربی حاضر در آسیای مرکزی قرار دارد. از جمله این نهادها دانشگاه آمریکایی آسیای مرکزی^۱ در بیشکک پایتخت قرقیزستان است. این دانشگاه در سال ۱۹۹۳ تاسیس شد و زبان رسمی تدریس دروس در آن انگلیسی است. علاوه بر این دانشگاه، چندین نهاد فرهنگی غربی در کشورهای آسیای مرکزی حضور دارند که منافع روسیه را در حوزه استفاده از قدرت نرم و ابزارهای آن از جمله زبان و فرهنگ روسی محدود می‌کند. بر این اساس است که روسیه بر سه هدف در سیاست خارجی خود متمرکز شده است:

(۱) سلطه نرم در اوراسیا؛

(۲) برابری با قدرت‌های بزرگ جهان؛

(۳) عضویت در نظام چندقطبی جهانی (هال، ۱۳۹۴: ۱۲۷). جامعه دانشگاهی روسیه به خوبی از لزوم رقابت با آمریکا در حوزه قدرت نرم آگاه است و به شیوه‌ها و ابزارهای آن می‌اندیشد. روس‌ها بیش از هر چیز به همکاری در زمینه‌های بشردوستانه و آموزشی دوجانبه و منطقه‌ای امید بسته‌اند. به این منظور پیشنهاد شده است، مدارس روسی آسیای مرکزی به بخشی از نظام آموزشی روسیه تبدیل شوند، دانشگاه‌های مناطق مختلف روسیه بیشتر در مبادلات آکادمیک فعال شوند و شمار برنامه‌هایی که برای ارتقاء منافع روسیه در منطقه طراحی شده است افزایش یابد (حق پناه، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۷).

براساس منابع وزارت علوم روسیه در سال ۲۰۰۸ تعداد پانزده هزار دانشجوی از چین، صد و سی و پنج هزار دانشجوی از قزاقستان، چهار هزار و چهارصد نفر از اوکراین، چهار هزار نفر از ویتنام، سه هزار و پانصد نفر از ازبکستان و دیگر کشورهای مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی در دانشگاه‌های روسیه تحصیل کرده‌اند. این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۲۵۰ هزار نفر افزایش یافت. تحقیقی در فوریه ۲۰۱۲ در وزارت خارجه روسیه منتشر شد که در آن روسیه را کشوری دارای ذخایر مناسب و راهبردی در حوزه آموزش عالی، قدرت نرم ارزیابی کرده است. با این حال این پژوهش تاکید می‌کند که تاکنون چنین ذخایری در آن به خوبی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. همانطور که نای اشاره می‌کند یکی از منابع سیاست خارجی گسترش ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان خارجی است. حفظ و تداوم جذابیت دانشگاه‌های روسیه برای کشورهای همسایه و دولت‌هایی که مسکو در حال ایجاد و شکل‌دهی یک سیستم

^۱. American University of Central Asia

امنیت منطقه‌ای و همگرایی اقتصادی با آنها است برای کرملین اولویت دارد. در سال‌های اخیر دولت طرح‌های فراوانی با هدف ترویج نوآوری، پژوهش، ارتقا آموزش عالی و امور زیربنایی انجام داده است. با وجود افزایش بودجه‌های علمی - آموزشی تغییر کیفی در روند نوسازی علمی روسیه و جریان یکپارچه سازی نظام آموزشی داخلی آن با سازوکارها و همکاری‌های علمی دنیا با سرعت کمی به پیش می‌رود (عطایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

همچنین تاسیس بنیاد دنیای روسی^۱ تحت حمایت‌های نیکانوف - سیاستمدار و اندیشمند سیاسی نزدیک به کرملین - در سال ۲۰۰۷ نمونه خوبی از اجرای عملی ایده جهان روسی است. از جمله اهداف اصلی و پایه‌ای این بنیاد گسترش نشر و آموزش زبان روسی در سایر کشورها است. تا سال ۲۰۱۰ این بنیاد تعداد ۵۰ مرکز آموزش زبان روسی را در ۲۹ کشور جهان تاسیس نموده است (Kudors, 2010:4). بر این اساس تلاش روسیه در جهت بسط استیلای سیاسی خود از طریق آموزش فرهنگ و زبان روسی به‌ویژه در مناطق همجوار است.

چین^۲: راهبرد اقتدارمحور محافظه کار

چین مانند شریک روس خود قدرت و نفوذ خود را در تلاش برای رهنمون شدن به سوی نظام جهانی که در آن برتری آمریکا وجود نداشته، بلکه مراکز چندگانه قدرت یا نظام چندقطبی موجود باشند به کار می‌گیرد (هال، ۱۳۹۴: ۱۰۲). تاکید رهبران و استراتژیست‌های چینی بر اصولی مثل "هارمونی" (یا مفهوم جهان هارمونیک چین^۳)، اعتماد متقابل، منافع متقابل و احترام به اقتدار سازمان ملل در سراسر جهان غیرغربی انعکاس وسیعی داشته است. چینی‌ها بر این باور هستند که کشورشان جایگاه بی‌نظیری دارد و حتی مقدر شده است که چنین موقعیتی را در منطقه و جهان داشته باشد. به اعتقاد ییوی وانگ^۴ (۲۰۰۹)، استادان چینی رشته روابط بین‌الملل در واقع تلاش می‌کنند، چنین دنیایی را "برسازند". این امر به این علت است که نقش محوری چین در منطقه و جهان تایید و پذیرفته شود؛ نیاز به احترامی دارد که بازیگران عمده جهان در قرون گذشته چین را از آن

¹. RUSSKIY MIR FOUNDATION

². China

³. China's Harmonious World Concept

⁴. Yiwei Wang

محروم کرده‌اند. لذا چین رویکردی اقتدارگرا را برای تثبیت قدرت خویش در این منطقه برگزیده است.

چین در راستای سیاست محافظه‌کارانه خود ترجیح می‌دهد از برخورد مستقیم با آمریکا خودداری کند ولی از فرصت‌های مقابله با نفوذ آن به خصوص در منطقه آسیا و اقیانوسیه غافل نیست. این امر از طریق به کارگیری طیفی از ابزارهای قدرت نرم مانند تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و نیز طرح‌های فرهنگی و آموزشی صورت می‌گیرد (نای ۲۰۱۱؛ به نقل از هال، ۱۳۹۴: ۱۰۴). از همین رو، سیاست اصلی این کشور در آسیای مرکزی، توسعه همه‌جانبه روابط با کشورهای منطقه می‌باشد، بر این اساس، حفظ روابط خوب همسایگی و همزیستی مسالمت‌آمیز، ارتقای سطح همکاری، برابری، نفع دوجانبه، احترام و به رسمیت شناختن استقلال این منطقه، عدم دخالت در امور داخلی، کمک به صلح و ثبات منطقه مطرح می‌باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۴).

برنامه‌های مبادله فرهنگی و دانشگاهی یکی از برنامه‌های راهبردی جمهوری خلق چین جهت دستیابی به قدرت نرم می‌باشد و در این راستا ارتباطات فرهنگی خود را گسترش داده است. این کشور با هدف ترویج فرهنگ و زبان چینی، بیش از ۲۶۰ موسسه کنفوسیوسی در بیش از ۷۰ کشور دنیا دایر نموده است. همزمان با ارتقای توان دانشگاه‌های چین، تعداد دانشجویان خارجی در این کشور به طور قابل توجهی افزایش داشته است. در سال‌های آغازین قرن ۲۱ ثبت نام دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های چین تا ۳۰ درصد رشد داشت و بیشتر دانشجویان از بورس‌های تحصیلی یا کمک‌های مالی دولت چین بهره‌مند می‌گردند. شرکت‌های چند ملیتی چین نیز در اهدای این بورس‌های تحصیلی مشارکت دارند (McGiffert, 2009: 5). چین در راستای پیشبرد دیپلماسی آکادمیک خود در آسیای مرکزی تعداد زیادی از دانشجویان این منطقه را در دانشگاه‌های خود پذیرفته و استادان چینی را برای تدریس به دانشگاه‌های آسیای میانه اعزام نموده است (مهدی‌زاده، ۱۰۶-۱۰۷).

موسسات کنفوسیوس با هدف ارتقای قدرت نرم چین، سه کارویژه را انجام می‌دهند:

الف) آموزش زبان چینی با فراگیری هنر و سبک زندگی چینی؛

ب) کمک مالی از برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو؛

ج) اعزام معلم به کشورهای دیگر برای آموزش زبان چینی (مهدی‌زاده، ۱۰۹).

بر اساس این راهبرد، چین در تلاش است تا با استفاده از دیپلماسی آموزشی خود، طبقه‌ای از نخبگان متمایل به چین را در منطقه آسیای مرکزی پرورش دهد تا ضمن ایجاد تصویر مثبت، زمینه ایجاد همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را در این کشورها افزایش دهد. البته به نظر می‌رسد، چین به جهت همجواری استان‌های مسلمان‌نشین خود با آسیای مرکزی و احساس هویت یابی مشترک ساکنین آن با خارج از مرزها آسیب‌زا باشد. از این رو، رویکردی محافظه‌کارانه در دستور کار دیپلماسی چین در این منطقه قرار دارد.

آمریکا: راهبرد ارتقاء محور رقابتی

ایالات متحده به عنوان قدرتی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی درصد افزایش حضور و نفوذ خود در آسیای مرکزی برآمده است و در صدد ارتقای قدرت خویش در این منطقه است. این قدرت در حال صعود در آسیای مرکزی تلاش دارد از رهگذر برون‌گرایی نرم، وضع موجود را به نفع خود تغییر دهد. لذا با رویکردی رقابتی در قبال بازیگران منطقه‌ای به ویژه چین و روسیه در صدد است حضوری فعال‌تر در این بازی بزرگ داشته باشد. به نظر می‌رسد، ایالات متحده سعی دارد از مزیت نسبی خود به ویژه قدرت نرم برای رقابت با بازیگران موجود بهره گیرد. جوزف نای در خصوص قدرت نرم ایالات متحده آمریکا معتقد است، "میلیون‌ها نفر از خارجی‌ها که طی سالیان متمادی در آمریکا تحصیل نموده‌اند، ذخیره قابل توجهی برای این کشور و نشان دادن تصویری مثبت از آن در جوامع خود هستند. تعداد زیادی از آنها پس از فراغت از تحصیل می‌توانند در کشورهای خود طرح‌هایی را اعمال کنند که برای سیاست‌های آمریکا مهم خواهد بود" (Nye, 2004: 13) از نظر وی، اهمیت مبادله‌های فرهنگی و علمی آمریکا به این دلیل است که بسیاری از رهبران مهم جهان را آموزش می‌دهد (رفیع، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

بر اساس همین رویکرد است که آمریکا مراکز آموزشی و اطلاع‌رسانی مهمی در منطقه آسیای مرکزی دایر نموده است. مهمترین آنها "گوشه‌های امریکایی"^۱ هستند که نخستین بار در دهه ۹۰ میلادی در روسیه شکل گرفتند و در سال ۲۰۰۲ با تصمیم دفتر روابط عمومی آمریکا این دفاتر در جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی نیز دایر گردید. کارکرد

^۱. American Corners

این نهادها ترویج آگاهی درباره سیاست خارجی آمریکا، سبک زندگی امریکایی، کار و تحصیل در این کشور است. به بیان دیگر تمام آنچه به دیپلماسی عمومی مربوط می‌شود در حوزه فعالیت آنها قرار دارد. شبکه‌های دیگری نظیر شوراهای امریکایی، آموزش بین الملل با هزینه دولت آمریکا، برنامه‌های تبادل دانشجو را سامان می‌دهند. دانشگاه قزاق-آمریکایی آلماتی و دانشگاه امریکایی آسیای مرکزی در بیشکک، ارائه دهنده آموزش به سبک امریکایی در آسیای مرکزی می‌باشند (Fominykh, 2010: 70-72). اکنون دانش آموختگان کالج‌های امریکایی خود را برای در اختیارگرفتن پست‌های مدیریتی در این منطقه آماده می‌کنند. این اقدامات در راستای بسط هژمون جهانی امریکا به ویژه در رقابت با روسیه و نفوذ در منطقه حیاط خلوت این کشور است.

ترکیه: راهبرد قومی - زبانی رقابتی محور

ترکیه بر اساس سیاست نوعثمانی‌گری در صدد احیای پان‌ترکیسم در منطقه آسیای مرکزی است. این کشور به دلیل برخورداری از اشتراکات قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای آسیای مرکزی سعی دارد از خلاء قدرت موجود نهایت بهره‌برداری را نماید و با ترویج زبان ترکی به رقابت با سایر بازیگران بپردازد. لذا در صدد است با ایفای نقشی پررنگ چتر نفوذ خود را بر سر حداقل چهار جمهوری ترک زبان از این پنج جمهوری بگستراند. این کشور با توجه به ریشه ترک‌زبان بودن اکثر کشورهای منطقه آسیای مرکزی در صدد تبلیغ شعار اتحاد جهان ترک برآمده است. لذا سیاست آموزشی این کشور را می‌توان بر الگوی قومی- زبانی رقابتی محور استوار دانست (آدمی، ۱۳۹۲: ۷).

ترکیه در کنار برنامه‌های متعدد سیاسی و اقتصادی در زمینه‌های فرهنگی تلاش‌های گسترده‌ای در جمهوری‌های ترک زبان آسیای مرکزی انجام داده که ایجاد مدارس و دانشگاه‌های جدید در این جمهوری‌ها و تلاش برای جذب دانشجویان کشورهای تازه استقلال یافته از آن جمله بوده است. این کشور از این راه تلاش نموده است تا نسل جوان این کشورها را با الگوی خود پرورش داده و این کشورها را به ترکیه نزدیک‌تر سازد. با این هدف، ترکیه در ژوئیه سال ۱۹۹۳، کنفرانس دائمی روسای دانشگاه‌های جهان ترک را در آنکارا به وجود آورد تا در این خصوص برنامه‌های نهادینه طراحی نماید. علاوه بر دولت ترکیه، موسسات خصوصی چون موسسه اوقاف دنیای ترک، موسسات وابسته به فتح اله

گولن^۱، رهبر ثروتمند دینی ترکیه هم به تاسیس مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها برای ترویج زبان ترکی واحد در این کشورها اقدام نموده‌اند (حق پناه؛ ۱۳۹۳، ۹۰-۹۱)

همکاری آموزشی میان ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی به دو شیوه اعطای بورس به دانش‌آموزان و دانشجویان منطقه برای تحصیل در ترکیه و تاسیس مدرسه و دانشگاه در این کشورها آغاز شد. نهادهای آموزشی از سوی دولت و بخش خصوصی ترکیه تاسیس می‌شدند. اعطای بورس به دانشجویان تحت پوشش برنامه پوشش تبادل دانشجوی^۲ انجام می‌گرفت. برنامه تبادل دانشجوی این اهداف را دنبال می‌نمود؛ ارتقاء سطح آموزشی کشورهای ترک‌زبان منطقه، تربیت نسل جدیدی که با فرهنگ ترکی آشنا و به آن علاقمند باشند، تامین نیاز کشورهای آسیای مرکزی به نیروی انسانی آموزش دیده و ایجاد پیوند دائمی برادری و دوستی در جهان ترک زبان. در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳، دولت ترکیه ده هزار بورس به دانش‌آموزان و دانشجویان کشورهای ترک و جوامع ترک زبان سایر کشورها اعطا نمود. اما بخش دوم سیاست‌های آموزشی ترکیه به راه‌اندازی مدرسه و دانشگاه از سوی دولت و بخش خصوصی منجر شد. به غیر از تاسیس مدارس در مقاطع ابتدایی و دبیرستان، تاسیس دو دانشگاه ماناس در قرقیزستان و خواجه احمد یسوی در قزاقستان هم حاصل تلاش‌های وزارت آموزش ملی ترکیه است. (حق پناه، ۱۶۷) بخش خصوصی هم به کمک دولت در امر آموزش شتافته که نمود بارز آن اقدامات آموزشی جنبش گولن می‌باشد. تا سال ۲۰۰۴، دو دانشگاه در قزاقستان، دو دانشگاه در قرقیزستان و دو دانشگاه در ترکمنستان از سوی دولت یا بخش خصوصی ترکیه راه‌اندازی شد (Yanik, 2004: 299).

دولت ترکیه و موسسات غیردولتی تاکنون چندین دانشگاه و صدها دبستان و دبیرستان در سراسر این جمهوری‌ها تاسیس کرده و آنها را حمایت مالی می‌نمایند. برای نمونه، دانشگاه خواجه احمد یسوی در قزاقستان با هزینه هشتاد میلیون دلاری ترکیه فعالیت می‌کند. هیات امنای این دانشگاه به طور مشترک پنج نفر ترک و پنج نفر قزاق هستند. آنها پس از فارغ التحصیلی چند سال در ترکیه آموزش می‌بینند و سپس باز می‌گردند و به کادرسازی فرهنگی می‌پردازند و تعاملات فرهنگی و به تبع آن مسایل سیاسی را تسهیل می‌کنند. دانشگاه‌های ترکیه به‌رغم فشارهای مداوم دانشجویان محلی برای ثبت نام درهای

¹. Fethullah Gulen

². Great Student Exchange Project

خود را به روی دانشجویان پنج جمهوری ترک زبان (۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ دانشجو از هر جمهوری برای هر سال) باز کرده‌اند. کنفرانس دائم روسای دانشگاه‌های جهان ترک که از سال ۱۹۹۳ فعالیت خود را آغاز نموده به منظور ترویج زبان ترکی و هماهنگی آموزشی بین کشورهای ترک‌زبان اقدامات بسیاری انجام داده است. موسسه اوقاف دنیای ترک نیز سازمانی تحقیقاتی است که در سال ۱۹۸۰ برای تحقیق درباره جهان ترک تاسیس شد و علاوه بر ایجاد چندین دانشکده و ده‌ها مدرسه در آسیای مرکزی و قفقاز بورسیه‌هایی برای تحصیل زبان ترکی در ترکیه ارائه می‌کرد (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

به عقیده سیاستگذاران آموزشی ترکیه، فعالیت‌های آموزشی باارزشترین سرمایه‌گذاری ترکیه در آسیای مرکزی است و در بلندمدت پیامدهای مثبت بسیاری برای ترکیه و این کشورها به همراه خواهد داشت. دانشجویانی که در ترکیه تحصیل می‌کنند پس از اینکه به کشورشان برگشتند، پست‌های مهم را در به دست خواهند گرفت و انتظار می‌رود آنها به گسترش روابط کشور خود با ترکیه و افزایش نفوذ ترکیه در منطقه کمک نمایند. بنابراین قدرت مانور ترکیه در آینده افزایش قابل‌توجهی خواهد یافت. این دانشجویان پس از اتمام تحصیلات خود و بازگشت به وطن به بهبود چهره ترکیه در سطح منطقه و جهان کمک خواهند نمود. هر فارغ‌التحصیل نقش پل ارتباطی میان کشور خود و ترکیه را ایفا خواهد کرد و قدرت لابی‌گری ترکیه را بالا خواهد برد (حق پناه، ۱۶۸). هم‌اکنون بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ترکیه در مناصب بالای حکومتی این جمهوری‌ها حضور دارند (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۴۴).

این کشور همچنین از طریق نهادهای آموزشی به خصوص وزارت آموزش و پرورش خود سعی نموده است تا تاریخ واحدی را به عنوان تاریخ جهان ترک برای همه این کشورها تدوین کند. تدوین کتاب‌های تاریخ برای این جمهوری‌ها از این گونه تلاش‌ها است (حق پناه، ۹۱).

عربستان سعودی: راهبرد ایدئولوژیک تدافعی محور

عربستان سعودی به عنوان یکی از بازیگران دخیل در آسیای مرکزی بر اساس راهبرد ایدئولوژیک خود در صد گسترش ایدئولوژی وهابیت در منطقه مزبور برآمده است. این کشور یکی از معدود کشورهای جهان است که سیاست‌های آموزشی خود را بر مبنای الگوی ایدئولوژیک تنظیم می‌کند. ایدئولوژی که به دلیل ماهیت برهم زندگی نظم محیطی خود در

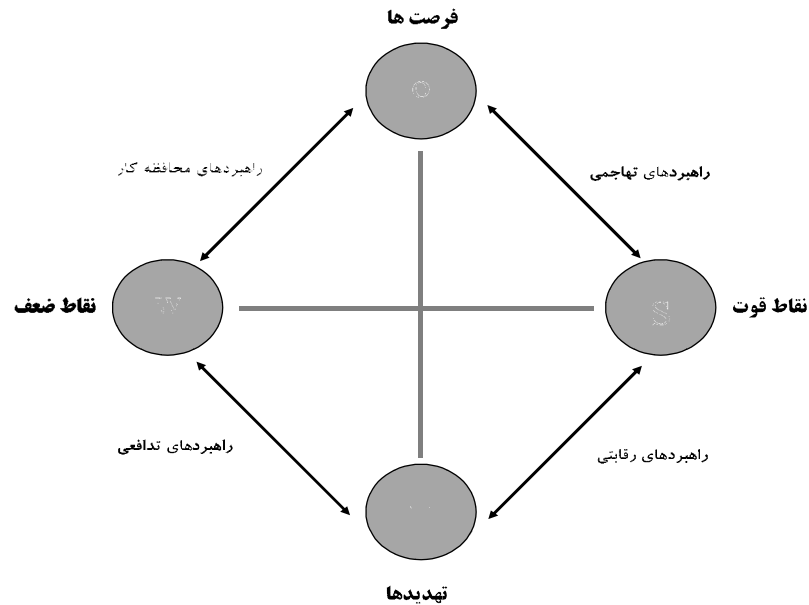
خاورمیانه، شکل متمایز و منحصر به فردی داشته و توسط این کشور اشاعه داده می‌شود. از منظر سازه‌انگاری، عربستان به مانند هر دولت خواهان نقش‌آفرینی و تاثیرگذاری در عرصه جهانی، نیازمند برساختن هویتی مثبت از خود نزد سایر بازیگران نظام بین‌الملل می‌باشد که با هنجارهای بین‌المللی مغایرت نداشته باشد. از این رو این کشور با فهم نقش آموزش در فرایند برساخت هویتی و تصویرسازی در صدد برآمده تا از ابزار دیپلماسی آموزشی انگاره‌ای موجه از خود را جایگزین انگاره‌های منفی پیشین نماید. عربستان با اتکا به ثروت‌های هنگفت نفتی، بودجه زیادی صرف نهادسازی آموزشی و ساختارسازی مدرن در حوزه آموزش عالی خود نموده است. با وجود این، نظر به اینکه ایران و روسیه در صدد مقابله با گسترش وهابیت در آسیای مرکزی هستند این کشور رویکرد تدافعی را در قبال آنان در پیش گرفته است.

وجود دانشگاه‌های بزرگ با امکانات آموزشی و پژوهشی همراه با اعطای تسهیلات ویژه به اساتید و دانشجویان در قالب بورسیه تحصیلی، مشارکت علمی با نهادهای معتبر دانشگاهی جهان، اعطای مجوز فعالیت به دانشگاه‌های غربی و آمریکایی در این کشور از جمله اقدامات عربستان در زمینه تسهیل شرایط دیپلماسی آموزشی بوده است.

در کنار این اقدامات، راه‌اندازی دانشگاه‌های اسلامی با هدف ترویج اسلام سلفی در جهت جذب دانشجویان از میان مسلمانان اهل سنت از برنامه‌های دیپلماسی آموزشی این کشور محسوب می‌شود که در تلاش جهت برساختن هویت سلفی وهابی در میان ملل اسلامی از آسیای مرکزی تا آفریقا می‌باشد. دانشگاه ام‌القری، دانشگاه اسلامی مدینه منوره و دانشگاه اسلامی امام محمد بن مسعود از جمله مراکز آکادمیک عربستان سعودی در آموزش مبلغان مذهبی می‌باشد. راهبرد این کشور در آسیای مرکزی به دلیل حضور قدرت‌های بزرگ و پرنفوذ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز محدودیت‌های سیاسی حاکمان کشورهای آسیای مرکزی در ترویج سلفیسم^۱، یک رویکرد تدافعی محسوب می‌گردد. ساخت مدارس اسلامی، پیشنهاد بورس‌های تحصیلی به جوانان و سرمایه‌گذاری در امور مذهبی از جمله فعالیت‌های آموزشی عربستان در آسیای مرکزی به ویژه در جهت مقابله با نفوذ ایران می‌باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۶).

^۱. Salafism

نمودار شماره ۳: راهبرد کشورها در دیپلماسی آکادمیک بر مبنای تحلیل SWOT



منبع: مولفین

دیپلماسی آکادمیک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی: راهبرد رقابتی تمدن محور

جمهوری اسلامی ایران بیش از همه کشورهای دیگر جهان، دارای پیوندهای عمیق تمدنی و تاریخی فرهنگی و زبانی با آسیای مرکزی می‌باشد. بسیاری از ادبا و اندیشمندان ایرانی، همچون رودکی-پدر شعر فارسی-، ابن سینا، ابوریحان و فارابی از این منطقه برخاسته‌اند. رویکرد ایران پس از انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی در قبال کشورهای همجوار به طور عمده مبتنی بر الگوی تمدنی دومحوری ایرانی- اسلامی بوده است. بر همین اساس، زمینه و بستر هویتی حضور فرهنگی، علمی و آموزشی ایران در پنج کشور آسیای مرکزی بیش از سایر کشورها مهیا می‌باشد. از این رو است که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر ظرفیت‌های تمدنی و قدرت نرم خود رویکرد رقابتی را در قبال بازیگرانی از قبیل ترکیه در منطقه مزبور در پیش گرفته است. البته فعالیت‌ها و همکاری‌های آموزشی ایران در این پنج کشور یکسان نیست. اما به طور کلی این اقدامات را می‌توان در دو حوزه تبادلات

آموزشی و آکادمیک و نیز آموزش زبان فارسی دسته بندی نمود. در ادامه وضعیت دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران را در هر یک از کشورهای این منطقه بررسی خواهیم کرد.

روابط آکادمیک ایران و تاجیکستان^۱

به کارگیری ظرفیت‌های دانشگاهی و فرهنگی یکی از عرصه‌های مهم روابط فرهنگی محسوب می‌شود. این ظرفیت برای دو کشور ایران و تاجیکستان به دلیل وجوه مشترک فراوان تمدنی، کاملاً مهیا است. این نوع فعالیت‌ها در زمره اقداماتی قرار می‌گیرند که در بلندمدت ثمره آن را می‌توان دید. تبادلات هیات‌های آکادمیک به تناوب حتی در بحران جنگ‌های داخلی تاجیکستان میان دو کشور ادامه یافته است. اندیشمندان تاجیک در سمینارهای متعدد که از سوی مراکز دانشگاهی و فرهنگی و نیز سفارتخانه ایران برگزار گردیده است شرکت داشته‌اند. اساتید و پژوهشگران ایرانی نیز به طور متناوب به تاجیکستان سفر کرده‌اند. در واقع، ارتباطات علمی و دانشگاهی به رغم وجود برخی مشکلات، تداوم داشته است (همان، ۹۸). نخستین قرارداد همکاری علمی تاجیکستان و ایران، میان آکادمی علوم تاجیکستان و دانشگاه مشهد در سال ۱۹۹۶ منعقد شد. آقای‌هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران به عضویت فرهنگستان علوم تاجیکستان پذیرفته شد و محمد جان شکوری و عبدالقادر نیازف به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمدند. با تلاش ایران در تاجیکستان در شهرهای دوشنبه، خجند، کولاب، اوراتپه، خاروغ، پنجکنت و... کتابخانه‌هایی راه‌اندازی و اتاق‌های ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند دایر گردید. همچنین ایران به پژوهشگاه‌های فرهنگستان علوم تاجیکستان و مراکز آموزش عالی این کشور، چندین هزار جلد کتاب در رشته‌های گوناگون علمی اهدا نموده است (ملکیان، ۱۳۹۱: ۱۰۹). همچنین کتابخانه‌هایی در شهرهای دوشنبه، خجند، کولاب، پنجکنت و اتاق‌های ایران در دانشگاه ادبیات دانشگاه ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند تاسیس گردیده است.

در سال ۱۳۸۱، سند همکاری میان وزارت علوم تحقیقات و فناوری با وزارت معارف تاجیکستان در خصوص تبادل استاد و دانشجو و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان به امضا رسید. همچنین در سال ۱۳۹۰، تفاهم‌نامه‌ای مشابه بین ارگان‌های مذکور منعقد شد

^۱. Tajikistan

که بر مبنای آن مقرر گردید تعداد بورسیه‌های مختص دانشجویان تاجیک از پنجاه نفر به ۲۵۰ نفر افزایش یابد. لازم به ذکر است که نزدیک به ۱۴۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی در تاجیکستان هستند که می‌توان گفت ۹۰ درصد آنها در دوره‌های دکتری در دانشگاه‌های این کشور تحصیل می‌کنند (حق پناه، ۹۹). از جمله نهادهای فعال در حوزه دیپلماسی آموزشی در تاجیکستان را می‌توان به رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه، بنیاد سعدی، دانشگاه جامعه المصطفی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی اشاره نمود.

- رایزنی فرهنگی

رایزنی فرهنگی ایران در دوشنبه با برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویج زبان فارسی در داخل رایزنی، کمک مالی به کرسی‌های زبان فارسی، کمک به نشر نشریات فرهنگی اسلامی، برگزاری مراسم بزرگداشت روز مولانا، حافظ، خیام، سعدی، رودکی، کمک به انتشار کتب ادبی، پشتیبانی از شخصیت‌ها و موسسات شیعه یکی از پرکارترین رایزنی‌های فرهنگی ایران در منطقه است (رایزنی فرهنگی ایران در دوشنبه: ۱۳۹۵/۵/۲۰). در این رایزنی بخش‌های مختلفی به فعالیت‌های آموزشی و علمی می‌پردازند که عبارت هستند از:

الف) کتابخانه؛ با حدود هشت هزار جلد کتب مرجع فارسی.

ب) سمعی و بصری: شامل مجموعه‌ای از فیلم‌های سینمایی و مستند ایرانی، موسیقی و نرم افزارهای رایانه‌ای می‌باشد. رایانه‌های این بخش مجهز به سیستم شبکه داخلی هستند که به اساتید و دانشجویان زبان فارسی به ویژه دانشجویانی که پایان‌نامه‌های دانشگاهی آنان مرتبط با حوزه ایران شناسی است این امکان را می‌دهد که از منابع فارسی الکترونیکی استفاده نمایند.

ج) کلاس‌های آموزشی: در این کلاس‌ها آموزش خط فارسی، دوره‌های ایران شناسی و آموزش خط قرآن صورت می‌گیرد.

د) چاپ و نشر: از بخش‌های مهم رایزنی فرهنگی بخش چاپ و نشر است. این رایزنی بیش از پنجاه جلد کتاب به خط فارسی و سیریلیک در موضوعات مختلف منتشر ساخته است (رایزنی فرهنگی ایران در دوشنبه: ۱۳۹۵/۵/۲۰).

- بنیاد سعدی

در سال ۲۰۱۲ به منظور تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های موجود داخل و خارج از کشور، بنیادی به نام «بنیاد سعدی» تأسیس شد تا مدیریت راهبردی و اجرای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای را در حوزه زبان و ادبیات فارسی در سطح بین‌المللی عهده‌دار شود. هدف از تشکیل این بنیاد، تقویت مراکز و آموزش زبان و ادبیات فارسی در سراسر جهان است. فعالیت این بنیاد در تاجیکستان شامل ارسال کتب و نشریات و برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید زبان فارسی تاجیکستان بوده است (بنیاد سعدی: ۱۳۹۵/۴/۲۳).

- جامعه المصطفی العالمیه

این نهاد علمی و بین‌المللی با هویت حوزه‌ای با هدف گسترش علوم اسلامی، انسانی و اجتماعی با رویکرد آموزشی، پژوهشی و تربیتی کوشش می‌کند که انبوهی از داوطلبان را از سراسر جهان جذب نماید. جامعه المصطفی در بیش از ۶۵ کشور جهان نمایندگی دارد که تاجیکستان در بین آنها نیست. با این توجه این دانشگاه با بسیاری از مراکز آموزش اسلامی در ارتباط است. از جمله با دانشکده اسلامی دانشگاه ملی تاجیکستان. این مرکز در قالب تفاهمنامه‌ای که با جامعه المصطفی منعقد ساخته تاکنون دوره‌هایی کوتاه‌مدت برای اساتید برگزار و مقرر نموده است که زمینه‌های همکاری برای ساخت کتابخانه و تجهیز آن فراهم شود. همچنین فراهم‌آوردن فرصت مطالعاتی به اساتید و آموزش دانشجویان تاجیک جزو برنامه‌های جامعه المصطفی در تاجیکستان می‌باشد (دانشگاه جامعه المصطفی: ۱۳۹۵/۵/۲۰).

- پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی

پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی در سال ۱۹۹۵ با همکاری معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه ایران و فرهنگستان علوم تاجیکستان در دوشنبه تأسیس گردید. این پژوهشگاه وابسته به سفارت ایران در پی آن است که ایرانیان را با فرهنگ و تمدن تاجیکی و تاجیک‌ها را با فرهنگ و تمدن ایرانی آشنا کند. به عبارت دیگر تعمیق مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان، از طریق کمک به ایجاد ادبیات جدید فرهنگی

هدف اصلی این پژوهشگاه است. انتشار کتاب‌های متعدد فارسی و ترجمه آثار از فارسی به سیریلیک از جمله اقدامات این نهاد می باشد. مدیریت این پژوهشگاه از سال ۲۰۱۵ به بنیاد سعدی سپرده شده است (سایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه ۱۳۹۵/۴/۲۳).

در مقام مقایسه سیاست‌های فرهنگی ترکیه در کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و اقدامات فرهنگی ایران در قبال کشور فارسی زبان تاجیکستان، می توان به تعداد دانشجویان در حال تحصیل این کشورها در ترکیه و ایران اشاره کرد. فقط طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶، ده هزار دانشجو از کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی در ترکیه پذیرفته شدند. این در حالی است که سالانه پنجاه بورسیه تحصیلی از طرف دولت ایران به تاجیک‌ها داده می‌شد که البته طبق تفاهم‌نامه سال ۱۳۹۰ قرار است این تعداد به ۲۵۰ بورسیه برسد (حق پناه، ۱۴۴).

با توجه به مطالب گفته شده، انتظارات از حضور آکادمیک جمهوری اسلامی در تاجیکستان به دلیل نقاط فراوان فرهنگی و زبانی بیش از سایر کشورهای این منطقه است. به طوری که بنا بر آمار یونسکو دانشجویان تاجیکی به‌رغم تشابه زبانی با ایران، ایران را به عنوان دوازدهمین مقصد برای تحصیل پس از کشورهای روسیه (۸۴۹۰ دانشجو)، قرقیزستان (۱۲۵۴ دانشجو)، قزاقستان (۵۱۰ دانشجو)، اکراین (۴۲۲ دانشجو)، عربستان سعودی (۳۸۵ دانشجو)، ترکیه (۳۶۴ دانشجو)، ایالات متحده (۲۵۷ دانشجو)، مصر (۲۱۰ دانشجو)، بلاروس (۱۴۵ دانشجو)، آلمان (۱۰۹ دانشجو)، و مالزی (۸۵ دانشجو)، با ۵۱ نفر دانشجو برگزیده‌اند. این وضعیت، تلاش‌های مضاعفی را برای بهبود این جایگاه طلب می‌کند (یونسکو، ۲۰۱۶).

روابط آکادمیک ایران و ازبکستان^۱

در میان کشورهای منطقه، کمترین تبادل دانشجو بین ایران و ازبکستان وجود دارد و به دلیل نبود تفاهم‌نامه در خصوص تبادل دانشجو، تقریباً هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشده است. این در حالی است که در دو شهر بزرگ قدیمی ازبکستان، یعنی سمرقند و بخارا، ابنیه و آثار تاریخی زیادی از فرهنگ و تمدن قدیم ایران برجای مانده و مردم این کشور به ویژه قشر تحصیل کرده و دانشگاهی این جمهوری به توسعه روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با ایران تمایل زیادی نشان می‌دهند (حق پناه؛ ۱۳۹۳، ۸۶-۸۷).

^۱. Uzbekistan

در رابطه با نقش زبان فارسی باید گفت زبان فارسی در بین بسیاری از مردم ازبکستان به ویژه در شهرهای سمرقند و بخارا از جایگاه علمی، فرهنگی و تاریخی مهمی برخوردار می‌باشد. این جایگاه به گونه ای است که به بیان پروفیسور نوربای جباراف، رئیس دانشکده زبان و ادبیات ازبکی دانشگاه ملی ازبکستان، بدون فراگیری زبان فارسی نمی‌توان تاریخ و ادبیات ازبکی را مطالعه کرد. امروزه بیش از چهار هزار واژه در زبان ازبکی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نشانگر جایگاه این زبان در کشور ازبکستان است (حق پناه، ۱۳۳).

بر همین اساس به دلیل شوق به فراگیری زبان فارسی در ازبکستان، رایزنی فرهنگی سفارت ایران در تاشکند با همکاری مراکز علمی، اقدام به تاسیس کرسی‌های زبان فارسی و اتاق‌های ایران نموده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد؛

دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند (راه اندازی اتاق اول ایران در سال ۱۹۹۹ و دومین اتاق ایران در سال ۲۰۰۵)؛ دبیرستان زبان‌های خارجی یونس آباد (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۲)؛ دبیرستان زبان‌های خارجی صابر رحیم اف (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۴)؛ دانشگاه دولتی تربیت مدرس نظامی گنجوی تاشکند (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۲ و گسترش آن در سال ۲۰۰۵)؛ دانشگاه اسلامی تاشکند (راه اندازی اتاق ایران در سال ۲۰۰۳)؛ دانشگاه ملی ازبکستان موسوم به میرزا الغ بیک (افتتاح اتاق ایران در سال ۲۰۰۴)؛ اتاق زبان فارسی در دانشکده فلسفه دانشگاه ملی ازبکستان؛ اتاق زبان فارسی در حوزه علمیه کوکلاش؛ دانشگاه دولتی تربیت معلم استان تاشکند- شهر انگرین (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۵)؛ دانشگاه دولتی سمرقند (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۳)؛ دانشگاه دولتی بخارا (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۳)؛ دانشگاه دولتی ترمذ (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۰)؛ دانشگاه دولتی اورگنج (تاسیس اتاق ایران در سال ۲۰۰۳) (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاشکند: ۹۵/۴/۱۵).

ازبکستان به لحاظ فرهنگی بر سایر جمهوری‌های نزدیک خود، حکم پدر فرهنگی را دارد. به‌رغم پیوند فرهنگی و قرابت و خویشاوندی تاجیک‌ها با ایرانی‌ها، ازبک‌ها نسبت به آنها سابقه روشن‌تر و برجسته‌تری دارند. شخصیت‌هایی مانند ابن سینا، ابو ریحان بیرونی، رودکی سمرقندی متعلق به دو کشور ایران و ازبکستان می‌باشند. بنابر این، انجام اقدامات مشترک در ورود اندیشه و آثار بزرگان علمی- فرهنگی متعلق به تاریخ و فرهنگ دو کشور از قبیل

چاپ کتب مشترک و برگزاری همایش‌های بین‌المللی به میزبانی دو کشور، می‌تواند از راه‌های نفوذ فرهنگی ایران در ازبکستان باشد (حق پناه؛ ۱۳۶)

روابط آکادمیک ایران و ترکمنستان^۱

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال ترکمنستان در سال ۱۹۹۱، روابط ایران با این کشور رو به گسترش نهاد. امضای قراردادهای فرهنگی میان روسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان در سال ۱۳۷۱ و به دنبال آن مشارکت گروه‌های فرهنگی ایران در مراسم جشن استقلال ترکمنستان و کنفرانس‌های علمی این کشور، تبادلات علمی و فرهنگی میان دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مختوم قلی عشق آباد، همچنین سفر هیات تاریخدانان ترکمنستان به ایران در سال ۱۳۷۴، سفر وزیر آموزش و پرورش این کشور به ایران نمونه‌هایی از روابط فرهنگی دو کشور است. همچنین تاسیس مجتمع آموزشی و رایزنی فرهنگی سفارت ایران در عشق آباد از مهم‌ترین امور آموزشی فرهنگی انجام شده در این دوره است. موافقتنامه‌های فرهنگی بین دو کشور از همان روزهای آغازین روابط سیاسی به امضای دو طرف رسید و برپایه آنها مبادلات فرهنگی فراوانی صورت پذیرفت. در سال ۱۳۸۱ موافقتنامه همکاری‌های بلندمدت اقتصادی بازرگانی، علمی، فنی و فرهنگی بین دو کشور امضا شد که طی آن طرفین توافق کردند هر دو سال یک‌بار برنامه مبادلات فرهنگی، آموزشی و علمی بین دو کشور به منظور گسترش همکاری در زمینه رسانه رادیو و تلویزیون، هنری، باستان‌شناسی، نسخ خطی، ادبیات و توسعه زبان‌های ملی، جهانگردی، ورزشی و برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ذریبط را تدوین نمایند (همان، ۱۲۲)

فعالیت‌های متعددی هم در رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان به تالیف و چاپ مقالات گوناگون در خصوص مفاخر ادبی ایران و ترکمنستان، برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی و غیره اشاره نمود (رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد: ۱۳۹۵/۴/۱۵)

در زمان حکومت کمونیستی شوروی، زبان فارسی در ترکمنستان تنها در دانشگاه عشق آباد تدریس می‌گردید و سالانه ده تا پانزده دانشجو در این رشته به تحصیل اشتغال

^۱. Turkmenistan

داشتند؛ اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تعداد مراکز آموزش زبان فارسی افزایش یافته و در مراکز زیر نیز دایر گردید؛

الف) کرسی زبان فارسی دانشکده شرق شناسی دانشگاه مختومقلی عشق آباد؛

ب) کرسی شرق شناسی دانشکده شرق شناسی دانشگاه مختومقلی؛

ج) کرسی زبان فارسی در دانشکده زبان‌های خارجی دولت محمد آزادی در عشق آباد؛

و) کلاس‌های آزاد که توسط رایزنی ایران در عشق آباد راه اندازی شده است.

ی) کلاس‌های آزاد که توسط رایزنی ایران در مرو راه اندازی شده است؛

د) مجتمع آموزش متوسطه شماره ۱۶ در عشق آباد؛

ه) مجتمع آموزش متوسطه شماره ۳۶ در عشق آباد. (صدقی زاده، ۱۳۷۶: ۴۲).

روابط آکادمیک ایران و قزاقستان^۱

ردپای تمدن ایرانی را می‌توان در ادبیات، تاریخ، آداب و رسوم و حتی زبان مردم قزاقستان جستجو کرد. در سال‌های اخیر ارتباطات فرهنگی و آکادمیک ایران و قزاقستان افزایش یافته است که از آن جمله می‌توان به تبادل دانشجویان، ترجمه آثار و برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های گوناگون اشاره کرد. همکاری‌های علمی خوبی نیز میان نهادهای علمی دو کشور برقرار است. میان دانشگاه‌های ایران از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه گیلان، رصدخانه علم و فناوری پژوهشگاه شاخص طرح (استینو) و دانشگاه‌های قزاقستان از جمله دانشگاه فارابی، آبای، اوراسی و نظربایف قراردادهای همکاری‌های علمی جهت تبادل استاد و دانشجو و برگزاری سمینارهای علمی منعقد شده است. دانشگاه شهید بهشتی با همکاری و مشارکت آقای صابری، رایزن فرهنگی سابق ایران در قزاقستان (۱۳۹۰-۱۳۹۴) مبادرت به تاسیس مرکز تحقیقاتی و علمی قزاق شناسی نموده است. به نظر می‌رسد که این مرکز بتواند کمک بزرگی به توسعه همکاری‌های علمی و دانشگاهی میان دو کشور نماید (هادوی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۷).

^۱. Kazakhstan

رشته زبان و ادبیات فارسی در سال های گذشته با حمایت نمایندگی فرهنگی ایران در قزاقستان در دانشگاه های آبلای خان، دانشگاه آبای و دانشگاه فارابی و اوراسی تدریس می شده است و هم اکنون، تقریباً همه دانشجویان بورس شده در مقطع فوق لیسانس و دکتری در دانشگاه های ایران و نیز بازار کار در قزاقستان را فارغ التحصیلان همین دانشگاه ها تشکیل می دهند. (همان) به طور کلی می توان گفت، دانشجویان قزاق در پنج دانشگاه این کشور زبان و ادبیات فارسی می آموزند؛ در دانشگاه الفارابی، دانشگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان، دانشگاه گهیلوب در آستانه، دانشگاه آبلای خان در آلماتی و... زبان و ادبیات فارسی تدریس می شود. در هر دانشگاه بین ۲۵ تا ۳۰ دانشجو هستند؛ دانشجویان کرسی سوم با سفر به ایران در مرکز آموزش دهخدا به مدت پنج ماه دوره آموزش زبان فارسی خود را تکمیل می کنند (کومیس یایف، ۱۳۹۲/۲/۱۶).

یکی از مراکز فعال در دیپلماسی آموزشی ایران در قزاقستان، بنیاد سعدی است. به گفته دربندی، معاون بین الملل این بنیاد، بنیاد سعدی در جهت گسترش زبان فارسی و حمایت از نیروی انسانی متخصص در دانشگاه های قزاقستان، تعداد ۱۰ دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را بورسیه کرده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۳/۱۶). همچنین این بنیاد از انحلال کرسی زبان فارسی به دلیل کمبود دانشجوی زبان فارسی با تأمین بخشی از هزینه این دانشجویان، جلوگیری نموده است (مصاحبه با دربندی، ۱۳۹۵/۴/۵).

یکی از ظرفیت های علمی میان ایران و قزاقستان، همکاری های علمی و تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاه ها و مراکز علمی مشابه و هم سنخ می باشد. به طور مثال مورد مشابه دانشگاه الزهرا (س) به عنوان دانشگاه مخصوص بانوان، دانشگاه ژیمپو در الماتی قزاقستان است که با ۷۰ سال قدمت تنها دانشگاه تک جنسیتی در این کشور است که امکان همکاری های آموزشی و علمی زنان دو کشور را برای این دو دانشگاه مهیا می سازد.

روابط آکادمیک ایران و قرقیزستان^۱

روابط فرهنگی ایران و قرقیزستان از ابتدا تاکنون از روند روبه رشدی برخوردار بوده است. در حال حاضر در شش دانشگاه معتبر قرقیزستان مانند دانشگاه "اسلاویانی"^۲، دانشگاه "علوم

^۱. Kyrgyzstan

^۲. Slavic University

انسانی"، دانشگاه "آرابایف"^۱ و دانشگاه "ملی"^۲ قرقیزستان کرسی زبان فارسی، اسلام‌شناسی و خبرنگاری دایر است که اسلام‌شناسی و خبرنگاری آن به زبان فارسی تدریس می‌شود. صرف‌نظر از شمار زیادی دانشجو که در رشته‌های فوق تاکنون فارغ‌التحصیل شده‌اند، ۱۲۳ دانشجو در چهار دانشگاه فوق در رشته‌های مذکور مشغول به تحصیل بوده‌اند (قرقیزنامه: ۱۳۸۶/۱۱/۳).

دانشگاه‌های قرقیزستان از ظرفیت علمی-آموزشی قابل قبولی برخوردار هستند. می‌توان با مطالعه و گزینش رشته‌های مورد نیاز هر سال تعدادی دانشجوی ایرانی را برای تحصیل به این کشور اعزام نمود و متقابلاً تعدادی بورس دانشجویی هم به دانشجویان قرقیزی در دانشگاه‌های ایران اختصاص داد. مبادله پایدار استاد و دانشجو و فعال کردن این رشته همکاری، پیامدهای مثبتی در ابعاد مختلف روابط بدنبال خواهد داشت. (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

به اعتقاد رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در قرقیزستان؛ "دلایل و شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد مناسبات فرهنگی دو ملت ایران و قرقیزستان به دلیل اشتراکات فرهنگی، دینی، تاریخی و علایق مشترک از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. ایران به عنوان یک کشور تأثیرگذار در منطقه از تجربیات و ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری‌های علمی و فرهنگی با جمهوری قرقیزستان برخوردار است و خصوصاً تمایل دارد این تجربیات را در مسیر توسعه کشورهای همسایه و مسلمان به کار گیرد (ایراس، ۹۲/۱۲/۲۰).

رئیس دانشگاه ملی قرقیزستان نیز خواستار استمرار آموزش زبان فارسی در قرقیزستان شده است. خانم چناره آدم‌قول‌اوا^۳ در دیدار رایزن فرهنگی ایران در قرقیزستان خواستار استمرار آموزش زبان فارسی با حضور اساتید مجرب، شد. به اعتقاد وی، آماگی کامل وجود دارد که با مراکز آموزش عالی ایران قرارداد همکاری منعقد و در زمینه‌های مختلف علمی و آموزشی همکاری شود. در گذشته با همکاری سفارت ایران و دانشگاه ملی جمهوری قرقیزستان، زبان فارسی با حضور اساتید ایرانی در این دانشگاه، تدریس شده است (سازمان فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۹۵/۴/۳۰). این آموزش‌ها از طریق اتاق‌های ایران مستقر در این دانشگاه‌ها پشتیبانی و حمایت می‌شوند. اعزام استاد ایرانی برای تدریس در این دوره‌ها، تغذیه

¹. Kyrgyz State University of Arabaev (KSUA)

². Kyrgyz National University

³. Chinara Adamkulova

علمی، تهیه منابع و ایجاد تسهیلات مقتضی برای رونق و گسترش این دوره‌ها، شرط موفقیت بیشتر کار فرهنگی و تحکیم علایق مردمی است (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۵).
همچنین استاد علوم تاریخ قرقیزستان پیشنهاد ایجاد مرکز علمی و آموزش قرقیزی- ایرانی برای بررسی و شناخت تاریخ و فرهنگ مشترک و نقش مردمان قرقیز و فارس زبان در تاریخ جهانی را مطرح کرد. بر مبنای این طرح می‌توان دانشمندان قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و روسیه را نیز جذب کرد. در این مرکز باید به بررسی و شناخت میراث مردمان فارس‌زبان قدیم در خاک آسیای مرکزی به ویژه در قرقیزستان و بررسی و شناخت میراث ادبیات و فرهنگ مردمان فارس‌زبان قدیم در خاک آسیای مرکزی و به ویژه قرقیزستان (تحقیق پیرامون بناهای تاریخی که در قلمروی تمام کشورهای آسیای مرکزی باقی مانده‌اند) پرداخت (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۹/۷).

دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران این امکان را دارند که با دانشگاه‌های قرقیزستان همکاری متقابل داشته باشند. به طوری که چندی پیش، رئیس دانشگاه علوم انسانی به ایران سفر و تفاهم‌نامه همکاری با چند دانشگاه امضا کرد و هم اکنون میان دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه‌های آرابایف و اسلاویانی تفاهم‌نامه همکاری به امضای مسئولان رسیده است. همچنین مدارک تحصیلی سه دانشگاه قرقیزستان «دانشگاه ملی»، «دانشگاه پلی تکنیک رزاق‌اف»^۱ و «دانشگاه روسی - قرقیزی اسلاویانی»^۲ مورد تایید وزارت علوم و تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران است (سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۹۵/۴/۳۰). ایجاد رشته دانشگاهی اسلام‌شناسی در دانشگاه ملی قرقیزستان که به زبان فارسی تدریس می‌گردد و نیز فعال کردن انیستیتو اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشگاه علوم انستنی بیشکک از اقدامات شایسته علمی و فرهنگی ایران در کشور قرقیزستان است. (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۳)

در مجموع همکاری‌های آموزشی ایران با کوچکترین کشور آسیای مرکزی، دارای ظرفیت‌های فراوانی است که می‌باید آن را به فعلیت رساند و متأسفانه تاکنون به استفاده از این ظرفیت توجه شایسته‌ای نشده و دانشگاه‌های ما چندان میل همکاری با آنان را از خود بروز نمی‌دهند (باقری مقدم: ۱۵۸).

^۱. Kyrgyz State Technical University named after I. Razzakov

^۲. Kyrgyz Russian Slavic University (KRSU)

جدول شماره ۱: تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل کشورهای آسیای مرکزی در ایران

نام کشور	تعداد دانشجویان کشورهای آسیای مرکزی شاغل به تحصیل در ایران سال تحصیلی ۹۳-۹۴	تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) در سال تحصیلی ۹۵-۹۶
ترکمنستان	۲	۰
تاجیکستان	۵۸	۱۸
ازبکستان	۰	۰
قرقیزستان	۲	۱
قزاقستان	۵	۲

منبع: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ۱۳۹۴؛ و معاونت بین الملل دانشگاه امام خمینی(ره) قزوین. ۱۳۹۵

مراکز اختصاصی همکاری‌های آکادمیک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی ۱. موسسه فرهنگی اکو^۱

یکی از سازمان‌های منطقه‌ای که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به جذب جمهوری‌های تازه استقلال یافته همت گمارد، سازمان همکاری‌های اقتصادی موسوم به اکو بود. این سازمان در سال ۱۹۸۵ توسط کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان با هدف توسعه همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی تاسیس گردید در سال ۱۹۹۲ با پیوستن هفت عضو جدید شامل کشورهای جمهوری اسلامی افغانستان، جمهوری آذربایجان، جمهوری قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، جمهوری تاجیکستان، ترکمنستان و جمهوری ازبکستان به ده عضو رسید. یکی از ارکان اکو که به منظور همکاری‌های فرهنگی در سال ۱۳۷۴ شکل گرفت، موسسه فرهنگی اکو می باشد. برای این موسسه اهداف والایی تعریف شده است که در زمینه مسایل آموزشی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تقویت همکاری میان دانشگاه‌ها و دیگر موسسات فرهنگی منطقه؛
- سازماندهی برنامه‌های مبادله دانشگاهی در زمینه فرهنگ؛
- تبادل برنامه‌های آموزشی برای محققان در زمینه مرمت و مصون‌سازی کتاب‌های قدیمی و دست نوشته‌ها؛

^۱. Eco Cultural Institute

- آموزش زبان‌های منطقه در موسسه و شعبه‌های آن در صورت امکان، همچنین اتخاذ اقدام‌های موثر جهت تقویت زبان‌های مزبور در دانشگاه‌ها و سایر موسسه‌های آموزش زبان منطقه (موسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۵/۸/۲۰).

۲. اتحادیه دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دولتی کشورهای حاشیه دریای خزر

اتحادیه دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دولتی کشورهای حاشیه دریای خزر در سال ۱۳۷۴ و با چهار عضو اصلی: دانشگاه‌های گیلان، مازندران، علوم کشاورزی گرگان و دانشگاه دولتی فنی استراخان تأسیس شد و هم‌اکنون ۵۱ دانشگاه و مؤسسه پژوهشی دولتی کشورهای حاشیه دریای خزر عضو این اتحادیه هستند. این اتحادیه یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه و تعمیق ارتباطات علمی و فرهنگی با سایر دانشگاه‌های عضو و از جمله قزاقستان است. انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری مشترک فرهنگی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های عضو، تبادل اطلاعات در زمینه‌های علوم مربوط به دریای خزر، تبادل استاد و دانشجو در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی، ایجاد بانک اطلاعاتی دریای خزر، ایجاد رشته‌های جدید مرتبط با دریای خزر در دانشگاه‌های اتحادیه، ایجاد تسهیلات لازم برای ترویج زبان کشورهای عضو اتحادیه، برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی مشترک در ارتباط با دریای خزر، انتشار بولتن علمی مشترک به زبان انگلیسی از جمله کارهایی است که به توسعه و تعمیق روابط دانشگاه‌های عضو این اتحادیه کمک می‌کند.

اساسنامه این اتحادیه در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی (۱۹۹۶ میلادی) با حضور روسای دانشگاه‌های گیلان، دانشگاه مازندران و دانشگاه علوم و منابع طبیعی گرگان از ایران، دانشگاه دولتی فنی استراخان، دانشگاه دولتی داغستان، دانشگاه کالمیک^۱ از جمهوری فدراتیو روسیه، دانشگاه دولتی آتیرائو^۲ از قزاقستان و دانشگاه دولتی باکو از کشورهای آذربایجان تصویب شد.

اهداف اتحادیه به شرح زیر می‌باشد:

- همکاری مشترک فرهنگی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های عضو؛
- تبادل اطلاعات در زمینه حوزه‌های علوم مربوط به دریای خزر؛

^۱ Kalmyk State University

^۲ Atyrau State University

- ایجاد بانک اطلاعاتی دریای خزر؛
- برگزاری سمینارها و کارگاههای آموزشی مشترک در ارتباط با دریای خزر؛
- انتشار بولتن علمی مشترک به زبان انگلیسی؛
- تبادل استاد و دانشجو در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی؛
- ایجاد رشته‌های جدید و مرتبط به دریای خزر در دانشگاه‌های اتحادیه؛
- ایجاد تسهیلات لازم جهت ترویج زبان کشورهای عضو اتحادیه. (دانشگاه گیلان، ۱۳۹۵/۸/۲۰). البته این اتحادیه تمام کشورهای آسیای مرکزی را در بر نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

همچنانکه به تفصیل آمد، موضوع و هسته اصلی بحث در این مقاله تبیین دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران به منظور توسعه روابط پایدار فرهنگی و سیاسی در منطقه آسیای مرکزی بر پایه بررسی و شناخت رویکرد دیگر بازیگران نقش آفرین در این حوزه بوده است. مبتنی بر این رویکرد، مفروضه اصلی این است که توسعه روابط در سطوح منطقه‌ای از جمله منطقه آسیای مرکزی به شدت وابسته به زمینه‌های تمدنی، تاریخی و فرهنگی با اتکاء به تبادلات دانشی، علمی و آموزشی و دانشگاهی است. به ویژه نهاد علم و آموزش عالی که نقش پلی مستحکم در تسهیل روابط انسانی و روابط نهادی و تعاملات خردمندانانه ایفا می‌کند. بر این اساس نهاد علم، دانشگاه و نظام آموزش عالی و نیز روابط آموزشی- فرهنگی به مثابه یک ظرفیت تعادل بخش تعارضات سیاسی و شتاب دهنده همکاری‌های سیاسی تلقی شده و قدرت نرم کشور را افزایش می‌دهد. چنانکه با بررسی انجام شده در خصوص تلاش بازیگران دخیل در این منطقه در زمینه بسط روابط آموزشی و فرهنگی خود، اقدامات آنان مورد واکاوی قرار گرفته و ملاحظه گردید چگونه از ظرفیت‌های در اختیار به اهداف کلان خود جامه عمل می‌پوشانند. به طور خلاصه می‌توان رویکرد بازیگران دخیل در آسیای مرکزی را چنین بر شمرد:

فدراسیون روسیه به عنوان وارث و جانشین اتحاد جماهیر شوروی، تلاش نموده است تا روند هژمونیک حضور و نفوذ خود را در کشورهای جداشده از شوروی سابق تداوم بخشد. راهبرد این بازیگر در آسیای مرکزی بر استیلا محوری استوار است. این تفکر برگرفته از گرایش اوراسیایی‌گرایی حاکم بر سیاست خارجی کنونی روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین

است. رویکرد مزبور با توجه به اهتمام فدراسیون روسیه به کاربری قدرت هوشمند در آسیای مرکزی به عنوان حیاط خلوت و منطقه خارج نزدیک خود به عنوان رویکردی تهاجمی ارزیابی می شود. روسیه از رهگذر ترویج زبان روسی در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای آسیای مرکزی به عنوان زبان علمی رویکرد تهاجمی نرم را اتخاذ کرده و دوره‌های بلندمدت آموزش عالی این کشورها بر مبنای آن ترسیم و تدوین شده است. بر این اساس، تلاش روسیه در جهت بسط استیلای سیاسی خود از طریق آموزش فرهنگ و زبان روسی به ویژه در مناطق همجوار است.

جمهوری خلق چین نیز مانند شریک روس خود قدرت و نفوذش را در تلاش برای رهنمون شدن به سوی نظام جهانی که در آن برتری آمریکا وجود نداشته، بلکه مراکز چندگانه قدرت یا نظام چندقطبی موجود باشند به کار می‌گیرد (هال، ۱۳۹۴: ۱۰۲). کشور مزبور در تلاش است تا با استفاده از دیپلماسی آموزشی خود، طبقه‌ای از نخبگان متمایل به چین را در منطقه آسیای مرکزی پرورش دهد تا ضمن ایجاد تصویر مثبت، زمینه ایجاد همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را در این کشورها افزایش دهد. البته چین به جهت همجواری استان‌های مسلمان‌نشین خود با آسیای مرکزی و احساس هویت‌یابی مشترک ساکنین آن با خارج از مرزها رویکردی محافظه‌کارانه در دستور کار دیپلماسی خود در این منطقه قرار داده است. از همین رو، سیاست اصلی این کشور در آسیای مرکزی، توسعه همه جانبه روابط با کشورهای منطقه می‌باشد، بر این اساس، حفظ روابط خوب همسایگی و همزیستی مسالمت آمیز، ارتقای سطح همکاری، برابری، نفع دوجانبه، احترام و به رسمیت شناختن استقلال این منطقه، عدم دخالت در امور داخلی، کمک به صلح و ثبات منطقه مطرح می‌باشد (مهدی زاده، ۱۳۹۰: ۹۴).

ایالات متحده به عنوان قدرتی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در صد افزایش حضور و نفوذ خود در آسیای مرکزی برآمده است درصدد ارتقای قدرت خویش در این منطقه است. این قدرت در حال صعود در آسیای مرکزی تلاش دارد از رهگذر برونگرایی نرم وضع موجود را به نفع خود تغییر دهد. لذا با رویکردی رقابتی در قبال بازیگران منطقه‌ای به ویژه چین و روسیه در صدد است حضوری فعالتر در این بازی بزرگ داشته باشد. به نظر می‌رسد، ایالات متحده سعی دارد از مزیت نسبی خود به ویژه قدرت نرم برای رقابت با بازیگران موجود بهره‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت؛ در آسیای مرکزی، روسیه موقعیت

مسلط دارد در حالی که چین از موقعیت کشور مقتدر برخوردار است و آمریکا قدرت در حال صعود است (هال، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۹).

جمهوری ترکیه بر اساس سیاست نوعثمانی گری در صدد احیای پان ترکیسم در منطقه آسیای مرکزی است. این کشور به دلیل برخورداری از اشتراکات قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای آسیای مرکزی سعی دارد از خلاء قدرت موجود نهایت بهره‌برداری را نماید و با ترویج زبان ترکی به رقابت با سایر بازیگران بپردازد. لذا در صدد است با ایفای نقشی پررنگ چتر نفوذ خود را بر سر حداقل چهار جمهوری ترک زبان از این پنج جمهوری بگستراند. این کشور با توجه به ریشه ترک زبان بودن اکثر کشورهای منطقه آسیای مرکزی در صدد تبلیغ شعار اتحاد جهان ترک برآمده است. لذا سیاست آموزشی این کشور را می‌توان بر الگوی قومی-زبانی رقابتی محور استوار دانست (آدمی، ۱۳۹۲: ۷).

عربستان سعودی به عنوان یکی از بازیگران دخیل در آسیای مرکزی بر اساس راهبرد ایدئولوژیک خود در صدد گسترش ایدئولوژی وهابیت در منطقه مزبور برآمده است. این کشور یکی از معدود کشورهای جهان است که سیاست‌های آموزشی خود را بر مبنای الگوی ایدئولوژیک تنظیم می‌کند. عربستان با اتکا به ثروت‌های هنگفت نفتی، بودجه زیادی صرف نهادسازی آموزشی و ساختارسازی مدرن در حوزه آموزش عالی خود نموده است.

با شناخت رویکرد بازیگران عمده در این منطقه به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در قبال هر یک از بازیگران مذکور، رفتاری متناسب از خود بروز دهد؛ موضع ایران در رابطه با روسیه به دلیل تعاملات مثبت دوسویه دو کشور در موضوعات اخیر جهانی، مبتنی بر همکاری باشد و تلاش نماید با کمک روس‌ها، با حضور آمریکا در این منطقه مخالفت کند. اما رویکردی احتیاط‌آمیز توأم با سکوت در قبال چین در پیش گیرد. در قبال ترکیه، موضع ایران مبتنی بر رقابت با این کشور با تکیه بر نزدیکی جغرافیایی و پیشینه فرهنگی و تمدنی طولانی تر خود در آسیای مرکزی است. تاکید بیشتر بر گسترش زبان فارسی از طریق ایجاد هر چه بیشتر کرسی‌های زبان فارسی از جمله تلاش‌های ایران در رقابت با ترکیه خواهد بود. در قبال عربستان نیز با تبیین عقلانیت تشیع و ایجاد کرسی‌های اسلام شناسی و شیعه شناسی در تلاش برای خنثی سازی زمینه‌های گرایش به وهابیت در منطقه آسیای مرکزی باشد.

به طور کلی می‌توان گفت، مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی، پیشینه تمدنی، تاریخی و فرهنگی غنی مشترکی است. بنابراین بهتر است، اولویت خود را برگسترش همکاری‌های فرهنگی بر اساس رویکرد تمدنی با این کشورها متمرکز کنیم. ایران در سال‌های گذشته به دلایل مختلف از این مزیت نسبی کمتر استفاده نموده است؛ اگر ایران بتواند مشترکات تمدنی خود را با کشورهای آسیای مرکزی تقویت کند، آن وقت در فعالیت‌ها و همکاری‌های اقتصادی و سیاسی هم بیشتر موفق خواهد بود زیرا اولاً، تمدن و فرهنگ بستر ساز فعالیت‌های اقتصادی و همکاری‌های سیاسی در این مناطق است. ثانیاً در این حوزه ایران مشترکات و مزیت نسبی بیشتری نسبت به کشورهای رقیب دارد. (بهشتی پور، ۹۲/۴/۲۶)

از طرف دیگر نگاه به پیرامون کشور به ویژه در مناطق دیگر از جمله آسیای مرکزی، نشان می‌دهد که این منطقه از پتانسیل همکاری‌های علمی و آموزشی برخوردار است. کشورهای آسیای مرکزی رشد فزاینده‌ای را در تعداد دانشجویانی که علاقمند به تحصیل در دانشگاه‌های خارجی هستند از خود نشان می‌دهند. با وجود این ظرفیت کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند به مزیت‌های متقابل پایدار منجر شود (مهرنیوز، ۹۴/۵/۵). هر چه مسئولین و متولیان دیپلماسی آموزشی کشور بتوانند توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ایران را به کشورهای این منطقه معرفی نمایند، دسترسی و تعامل با این کشورها دشوار نخواهد بود.

در راستا تحقق این اهداف، مراکز دانشگاهی ایران باید به شدت در فعالیت‌های علمی و آموزشی و مبادله استاد و دانشجو درگیر و متعهد شود. تلاش برای تشویق جوانان این کشورها جهت جذب آنها یکی از راه‌هایی است که به برسازی هویت مشترک و درک متقابل می‌انجامد. این کشورها به استثنای قزاقستان، با مشکلات اقتصادی گوناگونی مواجه هستند و مفهوم آن این است که باید در آموزش عالی سرمایه گذاری کنند و در رشته‌هایی دانشجو تربیت کنند که ضمن کمک به توسعه آنها از فرار مغزها در آن کشورها جلوگیری نماید. ایران می‌تواند کمک موثری در این زمینه داشته باشد. ایران در تاسیس دانشگاه‌ها تجربه‌های خوب و فراوانی دارد، تاسیس مراکز آموزش عالی، پارک‌های فناوری و ایجاد شرکت‌های دانش بنیان در کشورهای آسیای مرکزی به این هدف کمک می‌نماید. علاوه بر آن علایق آن کشورها به ایران به دلیل زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک در ایجاد محیطی مطلوب برای جذب دانشجویان جهت تحصیل و تحقیق در ایران اثرگذار است. لذا در ایجاد و توسعه همکاری‌های آتی از طریق آموزش عالی، تقاضا و فرصت‌های فراوانی وجود دارد که آموزش عالی ایران باید

از آنها استفاده کند. (مهرنیوز، ۹۴/۵/۵) در این مسیر بررسی عملکرد سایر بازیگران در راستای بر ساختن هویت مثبت از خود از طریق دیپلماسی آموزشی نباید از نگاه سیاستگذاران ما دور باشد.

لذا با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئوکالچر، مشترکات تمدنی، فرهنگی و زبانی و نیز حافظه تاریخی مشترک به عنوان سه نقطه قوت فرهنگی ایران می توان پیشنهادات زیر را در جهت تقویت دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد نمود:

- تقویت نگاه تمدن محور به ویژه در گسترش ارتباطات دانشگاهی؛
- تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های پنج کشور آسیای مرکزی؛
- برگزاری نشست‌های علمی میان دانشگاهیان ایرانی و آسیای مرکزی؛
- انتشار کتب به زبان فارسی به ویژه در تاجیکستان و ازبکستان؛
- اعطای جوایز علمی به اندیشمندان و پژوهشگران حوزه تمدنی ایران؛
- انجام طرح‌های مشترک دانشگاهی در حوزه‌های باستان شناسی، مردم شناسی و پژوهش بر روی مفاخر مشترکی چون فارابی، رودکی، ابن سینا، خوارزمی و ...؛
- ترویج گردشگری آموزشی جهت آشنایی قشر دانشگاهی کشورهای آسیای مرکزی با جامعه ایرانی و ارائه تصویر واقعی از کشور؛
- گسترش تفاهم نامه‌ها بین دانشگاه‌های ایران و کشورهای آسیای مرکزی؛
- حمایت از پایان‌نامه‌های دانشگاهی که با موضوع تاریخ و فرهنگ ایران انجام می‌گیرد؛
- توسعه ارتباطات میان نخبگان علمی، ادبی، دانشگاهی و فرهنگی.
- استفاده از ظرفیت‌های آکادمیک استان خراسان شمالی و رضوی در جهت جذب استاد و دانشجو با محوریت دانشگاه فردوسی مشهد.

منابع و مأخذ

- آدمی، علی، نوری، مهسا (۱۳۹۲)، "دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۲، پاییز.
- اخوان کاظمی مسعود، مرادی، حدیث (۱۳۹۰)، "دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۴، تابستان.
- باقری مقدم، غلامرضا (۱۳۹۴)، آسیب شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی: مطالعه موردی قرقیزستان، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- بهمن، شعیب (۱۳۸۹)، "جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ ظرفیت‌های همگاری و همگرایی منطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۱، پاییز.
- جمشیدی، محمد؛ الهی دهقی، جمشید (۱۳۹۳)، "ارائه الگوی تحلیل محیط راه بردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی منطقه آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۶، تابستان.
- حق پناه، جعفر، سیمین شیرازی و دیگران (۱۳۹۳)، قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، موسسه ابرار معاصر.
- حافظ نیا، محمدرضا، محمود شمس دولت آبادی و محمد حسین افشردی (۱۳۸۶)، "علائق ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- خدایار، ابراهیم (۱۳۹۲)، "حوزه فرهنگی-تمدنی ایران در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهاردهم، شماره ۲.
- خسروی، محمدعلی، جبّاری ثانی (۱۳۹۰)، "ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱، بهار.
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۴)، "سازه انگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن بست‌های تئوریک روابط بین الملل و دست‌یابی به راهی میانه"، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
- درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، "دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها". فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال دوازدهم، شماره ۱۶، زمستان.

دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی/۳۹

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیع، حسین، نیکروش، ملیحه (۱۳۹۲)، *دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تاکید بر قدرت نرم ایران در عراق*، پژوهشنامه روابط بین الملل به نقل از www.sid.ir
- سجادیپور، محمد کاظم و موسی الرضا وحیدی (۱۳۹۰)، "دیپلماسی عمومی نوین؛ چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان.
- صدقی زاده، محمود (۱۳۷۶)، "زبان و ادبیات فارسی در ترکمنستان"، *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، شماره ۸.
- علویان، مرتضی، کوزه گر کالجه، وحید (۱۳۸۸)، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی: بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی"، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۰)، *فرهنگ استراتژیک*، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- عطایی، محمدفرهاد، هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۲)، "روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه (۲۰۰۰-۲۰۱۳)"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۴، زمستان.
- فلاح، رحمت‌اله (۱۳۹۰)، *جریان‌های اسلامی در آسیای مرکزی*، تهران، انتشارات موسسه اندیشه سازان نور.
- ملکیان، محسن (۱۳۹۱)، "روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان"، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان.
- مهدی زاده، اکبر (۱۳۹۰)، "بکارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی چین در قبال آسیای مرکزی"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۵، پاییز.
- مجیدی، محمدرضا، دلیران چاپشلو (۱۳۹۲)، "سازمان‌های غیردولتی در انقلاب رنگی قرقیزستان"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۱، بهار.
- مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۵)، *تحول در نظریه‌های روابط بین الملل*، تهران، انتشارات سمت.
- نوروزی، حسین (۱۳۹۲)، *ایران و ظرفیت‌های فرهنگی اکو*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ولیقلی زاده، علی (۱۳۹۰)، "نگاهی اجمالی به همگرایی‌های جدید در اوراسیای مرکزی و چالش‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۶، زمستان.

- ونت، الکساندر (۱۳۸۵)، *نظریه اجتماعی سیاست بین الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، وزارت امور خارجه.
- هادوی، ابراهیم (۱۳۹۴/۱۱/۲۷)، روابط فرهنگی ایران و قزاقستان، ۱۳۹۵/۵/۲۰؛ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/951>
- یزدانی، عنایت اله، مسعودی، نجمه، دالوند، حسین (۱۳۹۱)، "بررسی رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به آسیای مرکزی"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، پاییز.
- یاساشوسی واتانامه، دیوید ال. مک کانل (۱۳۸۹)، *آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده آمریکا*، ترجمه محسن روحانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- یزدان پرست لاریجانی، محمد حمید (۱۳۸۵)، *نامه ایران (مجموعه مقاله‌ها، سروده‌ها و مطالب ایران شناسی)*، *روابط فرهنگی ایران و قزاقستان؛ گفت و گو با اوتی گین کومیس بایف*، جلد سوم، تهران، اطلاعات، چاپ اول. قابل دسترسی در: <https://rasekhoon.net/article/print/704908>
- بهشتی پور، حسن (۹۲/۴/۲۶)، *ضرورت تعیین راهبرد جامع ایران در آسیای مرکزی و قفقاز*، قابل دسترسی در: <http://www.khabaronline.ir/detail/304045/weblog/beheshtipour>
- مهراد، جعفر (۱۳۹۴/۵/۵)، *ظرفیت مغفول مانده آسیای مرکزی برای آموزش عالی ایران*، قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com/news/2862087>
- مصاحبه با محمدرضا دربندی، معاون بین الملل بنیاد سعدی: ۱۳۹۵/۴/۲۲
- هال، گریگوری (۱۳۹۴)، *اقتدار، ارتقاء و استیلا: چین، روسیه و آمریکا به دنبال ارتباط و قدرت*، ترجمه غلامعلی چگینی زاده و مرتضی دامن پاک جامی، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین المللی وزارت امور خارجه.
- همتی، شیوا (۱۳۹۵/۵/۲۶)، *دانشگاه‌های هزاره سوم و انواع عمده سازه گرایی*، *مجله الکترونیکی قابل دسترسی در: <http://vista.ir/article/363072>*
- رایزنی فرهنگی ایران در دوشنبه (۱۳۹۵/۴/۲۳)، قابل دسترسی در: <http://dushanbe.icro.ir>
- رایزنی فرهنگی ایران در بیشکک (۱۳۹۵/۵/۲۰)، قابل دسترسی در: <http://fa.bishkek.icro.ir>
- رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد (۱۳۹۵/۵/۱۳)، قابل دسترسی در: <http://ashgabat.icro.ir>
- رایزنی فرهنگی ایران در آلماتی (۱۳۹۵/۵/۸)، قابل دسترسی در: <http://almaty.icro.ir>
- رایزنی فرهنگی ایران در تاشکند (۱۳۹۵/۵/۱۰)، قابل دسترسی در: <http://tashkent.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=228&pageid=7353>

دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی/۴۱

- رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد (۱۳۹۵/۴/۱۵)، قابل دسترسی در آدرس:
[/http://tashkent.icro.ir](http://tashkent.icro.ir)
- بنیاد سعدی (۱۳۹۵/۴/۲۳)، قابل دسترسی در آدرس:
[/http://www.saadifoundation.ir](http://www.saadifoundation.ir)
- دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه (۱۳۹۵/۵/۲۰)، قابل دسترسی در آدرس:
<http://miu.ac.ir/>
- سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه (۱۳۹۵/۵/۲۰)، قابل دسترسی در آدرس:
[/http://dushanbe.mfa.ir](http://dushanbe.mfa.ir)
- موسسه فرهنگی اکو (۱۳۹۵/۴/۱۳)، قابل دسترسی در آدرس:
[/http://ir.ecieco.org/pages/AboutEco](http://ir.ecieco.org/pages/AboutEco)
- صادقی، کمال (۱۳۹۵/۳/۱۶). "گرایش به زبان فارسی در قزاقستان کم شده است" به نقل از «اردن کازبیک»، رئیس فرهنگستان زبان قزاقستان. قابل دسترسی در:
<http://www.mehrnews.com/news/3677123>
- دانشگاه گیلان (۱۳۹۵/۴/۷)، قابل دسترسی در:
<http://guilan.ac.ir>
- بهشتی پور، حسن (۱۳۹۲/۴/۲۲)، ضرورت تعیین راهبرد جامع ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، قابل دسترسی در:
<http://beheshtipour.blogfa.com/post-493.aspx>
- ایراس (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، واکاوی روابط فرهنگی ایران و قرقیزستان در شبکه «K.T.R.K» قرقیزستان، قابل دسترسی در:
<http://irasnews.ir/vdcc1pq1.2bq048laa2.html>
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۵/۴/۳۰)، آموزش زبان فارسی در قرقیزستان استمرار یابد، به نقل از رییس دانشگاه ملی قرقیزستان. قابل دسترسی در:
<http://www.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=261&pageid=32423&newsview=655871>
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۴/۹/۷)، مرکز علمی آموزشی قرقیزستان و ایران تأسیس شود، به نقل از استاد علوم تاریخ قرقیزستان، قابل دسترسی در:
<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13940902000983>
- خبرگزاری فارس (۹۲/۱۲/۲۰)، بررسی ۲ دهه روابط تهران-بیشکک در تلویزیون دولتی قرقیزستان، قابل دسترسی در:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921220000326>
- میاندره، رضا (۱۳۸۶/۱۱/۳). روابط قرقیزستان و ایران، قابل دسترسی در:

<http://kyrgyzstan.persianblog.ir/post/112/>.

- Alexey Fominykh,(2010), Projecting "Soft Power": American and Russian Public Diplomacy in Post-Soviet Central Asia, *Central Asia and The Caucasus*, Volume 11, Issue 3.

- Brzezinski. Zbigniew, 1997, "The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives", New York: Basic Books.

- Cooley, Alexander,(2009). Behind the Central Asian Curtain: The Limits of Russia's Resurgence," *Current History* 108, No. 720.

- Fominykh, Alexey(2010), Projecting Soft Power: American & Russian Public Policy in Post-Soviet Central Asia, *Central Asia & The Caucasus*, Vol. 11, Issue 3.

- Istileulova, Yelena(2014), Higher Education of Central Asia and Russia: Building Corporate Brand, Director of the Center for Research and Development, IAB, Availabale at:

<http://www.culturaldiplomacy.org/academy/content/articles/events/nationbranding/participant-papers/Yelena-Istileulova.pdf>, Accessed on: 2015/08/21.

- Kudors, Andis (2010), "Russian World- Russia Soft Power Approach to Compatriots Policy", in *Russia Analytical Digest* 81/10, Riga, Latvia. Availabale at: <http://www.academia.edu/>, Accessed on: 2013/07/27.

- McGiFFert, Carola (2009), "Chinese soft Power and its Implications for the U. S " , Washington: CSIS.

- Nye, Joseph S. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, Public Affairs, First Edition, New York.

- Wang, Yiwei(2009), "China: Between Copying and Constructing," in *International Relations Scholarship around the World*, eds. Arlene B. Tickner and Ole Wtever, (New York: Routledge/Taylor Sc Francis Group).

- Yanik, Lerna K. (2004), *The Politics of Educational Exchange: Turkish Education in Eurasia*, *Europe-Asia Studies*, Vol. 56, No. 2.

- Unesco institute for statistic(2016), *International Student in Central Asia*, Availabale at: <http://www.uis.unesco.org/Education/Pages/international-student-flow-viz.aspx>, Accessed on: 2016/09/24).

- Russkiy Mir Foundation (1/8/2016), about Russkiy Mir Foundation. See in: <http://russkiymir.ru/en/fund/index.php>.

- Worldometer(24/7/2016), statistics of Central Asia Population, Availabale at: <http://www.worldometers.info/world-population/central-asia-population/>.